

# انترناسیونال فرارسیدن نوروز و آغاز سال نو را به همه مردم آزادیخواه ایران تبریک میگوید

## پیام نوروزی حمید تقوایی

صفحه ۲



تجمع گسترده و سراسری معلمان شاغل و بازنشسته سراسر کشور این تجمع همزمان با کنگره دهم حزب کمونیست کارگری برگزار شد. حمید تقوایی با پیامی از طرف شرکت کننده در کنگره حزب از این تجمع و خواست های معلمان و بازنشستگان حمایت کرد

صفحه ۱۴

## دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی جنایت است

صفحه ۲

## حکم وحشیانه شلاق کارگران بافق یزد پس گرفته شد تمامی احکام صادر شده برای آنان باید لغو شود

شهلا دانشفر

صفحه ۲

پیام شورای مرکزی سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان  
به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

متن سخنرانی وریا احمدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

پیام حزب حکمتیست به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

پیام حزب سکولار دمکرات ایرانیان به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

پیام محمد هکیش از مراکش به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

پیام حاتم لایونی از تونس

پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری به مردم آزاده دنیا

در مقابل راسیسم و فاشیسم باید با پرچم سوسیالیسم بمیدان آمد!

علیه اسلام سیاسی و راسیسم بمیدان بیائید!

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۰۳

جمعه ۲۷ اسفند ۱۳۹۵، ۱۷ مارچ ۲۰۱۷

## کنگره دهم حزب

اسناد، گزارش ها و پیام ها

صفحات ۳ تا ۱۴

اطلاعیه پایانی کنگره دهم حزب  
کمونیست کارگری ایران

قطعهنامه در مورد موقعیت ویژه جنبش کارگری

قطعهنامه در مورد جنبشهای اجتماعی و چشم انداز

انقلاب آتی در ایران

قطعهنامه در مورد عروج راست افراطی در غرب

قطعهنامه در مورد تجربه کردستان عراق و راه حل

مساله ملی کرد

قطعهنامه در مورد رشد گرایش چپ در جنبش های

اعتراضی

قرار در مورد جنبش تشکیلاتی کارگری

قرار در باره نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و

ضرورت مقابله با آن

قرار در حمایت از شبکه همبستگی کارگری

خاورمیانه و شمال آفریقا

قرار در باره اهمیت جنبش دادخواهی بازماندگان

قتل عامهای دهه ۶۰

قرار در مورد اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات

کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی

گزارش هیئت اجرایی حزب به کنگره دهم

## پیام نوروزی حمید تقوایی

ماتم وعزا را نمایندگی میکند. بخاطر این تناقض و این اختلاف پایه ای و صد و هشتاد درجه ای است که مردم این حکومت را تحمل نمیکنند، در هر عرصه ای و به هر شکلی که میتوانند اعتراض میکنند و در برابر این حکومت می ایستند. امیدوارم سال نو سال پیشرویهایی بیشتر برای مردم ایران باشد. سالی که مبارزاتمان به پیروزی برسد، و بتوانیم از شر جمهوری اسلامی رها شویم و به آزادی و رفاه و برابری برسیم. یک بار دیگر سال نو را به همه شما مردم عزیز ایران تبریک میگویم.

حمید تقوایی

۲۷ اسفندماه ۱۳۹۵

این اعتراضات و اعتصابات و مقاومتها ادامه داشته است ولی سال گذشته جامعه یک گام بزرگ در جهت تعرض به جمهوری اسلامی جلو برداشت و این تجربه نویدبخش آنست و این چشم انداز را در مقابل ما قرار میدهد که در سال جدید اعتراضات هر چه بیشتر گسترش پیدا کند، صفوفمان متحد تر و همبسته تر بشود، خواستههایمان صریح تر و شفاف تر و روشن تر مطرح بشود، و بتوانیم با مبارزاتمان جمهوری اسلامی را از هر جنبه تحت فشار قرار بدهیم و به عقب نشینی وادار کنیم.

نوروز موسم شکوفائی و سرزندگی و زایش و رویش است یعنی آنچه تماما در نقطه مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد. در نقطه مقابل حکومت و نظامی که انجماد و تجزوعقب ماندگی و مرگ و

فرا رسیدن سال نو را به همه مردم ایران تبریک میگویم. سال گذشته برای ما مردم سال گسترش اعتراضات و اهداف مقاومت و مبارزه و پیشروی در جهت تحقق خواستهها و اهداف انسانیمان بود. سال گسترش اعتصابات کاری، سال اتحاد کارگر و معلم، سال اعتراضات زنان برای برخورداری از ابتدائی ترین حقوق انسانیشان و سال مبارزه جوانان برای رسیدن به یک جامعه مدرن و شاد و انسانی.

در تمام طول سال گذشته جامعه، همه بخشهای مردم، در هر عرصه در حال حرکت و اعتراض بود و از این نقطه نظر میتوان گفت سال گذشته یک سال ویژه بود. البته مبارزه و اعتراض برای جامعه ایران امر تازه ای نیست از زمانی که جمهوری اسلامی روی کار آمده

## دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی جنایت است

## حکم وحشیانه شلاق کارگران بافق یزد پس گرفته شد تمامی احکام صادر شده برای آنان باید لغو شود

شهلا دانشفر

است، اما در قبال آن این کارگران را به یک میلیون تومان جریمه نقی محکوم کرده است. صدور این حکم باید با اعتراض وسیع ما روبرو شود و باید تا لغو کامل احکام صادر شده برای ۷ کارگر بافق یزد به کارزار اعتراضی خود ادامه دهیم. ۷ کارگر بافق یزد بخاطر مبارزات جانانه ۵ هزار کارگر این معدن در دو سال و نیم قبل که با حمایت وسیع مردم شهر روبرو شد، محاکمه شده اند، پرونده امنیتی تشکیل شده برای آنان باید تمام بسته شود.

کارگران به احکام وحشیانه شلاق که مصداق قوانین مجازات اسلامی است و متعلق به عهد بربریت است اعتراض دارند و در برابر آن جانانه ایستاده و این اعتراض به کارزاری در سطح جامعه تبدیل شده است. همچنین مبارزه علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و کلیه فعالین اجتماعی کمپینی است که بنیال بیانیه مشترک اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده به راه افتاده و در این کارزار صف کارگران و معلمان کنار هم ایستادند و اکنون میروند که به جنبشی اجتماعی تبدیل شود. وسیعا به این کارزار پیوندیم.

شلاق زدن ممنوع و تمامی احکام امنیتی لغو کمپین برای آزادی کارگران زندانی Free Them Now ۲۵ اسفند ۹۵

به گزارش جداری فروغی وکیل کارگران بافق یزد در ۲۵ اسفند ماه، حکم تجدید نظر مربوط به هفت نفر از کارگران این معدن، حکم وحشیانه شلاق حذف شده است. او در این باره چنین توضیح میدهد: "در دادنامه صادره ۳۰ بلوی، حکم صادره، ۷ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق بود که برای مدت ۵ سال تعلیق شده بود، اما در دادنامه تجدیدنظر مدت تعلیق به سه سال تقلیل یافته و ۳۰ ضربه شلاق به یک میلیون تومان جریمه نقی برای هر کدام از هفت نفر تبدیل شده است." جداری فروغی در خاتمه سخنانش چنین میگوید: "از نظر من در پرونده دلیلی مبنی بر محکومیت کارگران وجود نداشت، ولی علیرغم این مساله، تقلیل مدت تعلیق حکم و نیز تبدیل شلاق به جریمه نقی، تغییرات مثبتی است که اتفاق افتاده است."

بدین ترتیب تقلیل حکم ۷۷ کارگر بافق یزد و حذف حکم شلاق آنان خود یک عقب نشینی از جانب حکومت است که به طور واقعی زیر فشار کارزاری گسترده صورت گرفته است. اما کارگران خواستار لغو کامل احکام صادر شده برای ۷ کارگر معن بافق یزد و خاتمه دادن به پرونده امنیتی تشکیل شده برای آنان هستند. دادگاه تجدید نظر کارگران بافق یزد در واقع زیر فشاری که قرار داشته، حکم شلاق را لغو کرده

یک شعار مبارزات و تجمعات شما اعتراض به خط فقر چهار میلیونی و حقوق یک میلیونی بوده است. ما حق داریم در رفاه و آسایش زندگی کنیم و به دستمزدی زیر خط فقر رضایت ندهیم. ما قطعاً میتوانیم متحدانه خواست خود را عملی کنیم.

مبارزات و اعتراضات گسترده کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران در سال گذشته نشان داد که کارگران هر جا متحد عمل کنند توان تحمیل خواستههای خود به سرمایه داران و حکومت اسلامی شان را دارند. با اعلام میزان مشخص برای حداقل دستمزد، با اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر، با اعتصابات و اعتراضات و راهپیمایی، با متحد شدن و متشکل شدن در مجامع عمومی و تشکلهای مستقل خود، جنبش افزایش دستمزد به بالای خط فقر را گسترش دهید. نباید اجازه داد که مفتخوران حاکم بیش از این ما و فرزندان و خانواده های ما را در فلاکت و فقر و محرومیت نگه دارند.

حزب کمونیست کارگری فعالانه از مبارزات شما حمایت میکند، صدای شما را بازتاب میدهد، در جهت گسترش مبارزات کارگری بدون وقفه تلاش میکند و خواستهها و مبارزات گسترده شما را در همه جا نمایندگی میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ اسفند ۱۳۹۵، ۱۷ مارس ۲۰۱۷

مفتخورش میریزد، وقتی میخواهد برای کارگران تصمیم بگیرد، حتی به حقوقی معادل خط فقر نیز رضایت نمیدهد.

مسخره ترین و غیر منطقی ترین سیاست این است که دستمزد کارگران را نمایندگان سرمایه داران یک جانبه از بالای سر کارگران تعیین کنند. از نظر کارگران مرجع تعیین دستمزد بهیچ وجه نباید حکومتی ها باشند. از نظر کارگران، دستمزد باید با توافق و تایید نمایندگان منتخب مجامع عمومی کاری بر اساس قراردادهای جمعی و سراسری تعیین شود. سقف میزان دستمزد کارگران، نه خط فقر، بلکه باید خط رفاه و برخورداری از یک زندگی انسانی باشد. حداقل دستمزد باید کفاف زندگی یک خانواده کارگری با استانداردهای انسانی در جوامع مدرن را بدهد و بطور اتوماتیک مدام در بالای سطح تورم افزایش یابد. کارگر حق دارد غذا و لباس و رفاه کافی و زندگی انسانی داشته باشد. نه اینکه مدام هشتش گرو نهش باشد.

تعیین دستمزد چهار بار زیر خط فقر یک بار دیگر این پیام را به کارگران میدهد که برای زنده ماندن و برای داشتن حداقل رفاه انسانی در این جامعه تنها راه به زیر کشیدن حاکمیت اسلامی سرمایه داران است. روشن رضایت نخواهند داد و سال آتی سال مبارزه گسترده تر کارگری نه فقط برای افزایش چندین برابر دستمزدها بلکه برای دستیابی کارگران به رفاه و زندگی انسانی خواهد بود.

کارگران شاغل و بیکار! معلمان! پرستاران! بازنشستگان!

جمهوری اسلامی حداقل دستمزد ماهانه کارگران در سال آتی را ۹۳۰ هزار تومان تعیین کرد. همه میدانند که این رقم معادل یک چهارم خط فقری است که خود حکومت تعیین کرده است، و حدود یک سوم سبب کنایبی هزینه خانوار کارگری است که بعد از حذف ارقام متعدد ۲ میلیون و ۴۸۹ هزار تومان در ماه تعیین کردند. کل این محاسبات و ارقام معنایی جز تحمیل فقر مهلک و کشنده به خانواده های کارگران و معلمان و پرستاران ندارد. یک مشت دزد و جانی و مفتخور سرمایه دار خود را به جامعه تحمیل کرده اند و به هیچ منطقی جز منطق چپاول و زورگویی پایبند نیستند. خیمه شب بازی خانه کارگرها و شوراها های اسلامی نیز که هر سال ژست طرفدار کارگر میگیرند و بعد بر این دستمزدهای برده وار مهر تایید میگذارند از چشم کارگران پنهان نمانده و نفرت کارگران را علیه این نهادهای ضد کارگری افزون تر میسازد.

تعیین دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی توسط حکومت اسلامی به این معناست که کارگران باید شب و روز برای سرمایه داران حریص جان بکنند و خود در فقر و گرسنگی و محرومیت تمام عیار اسیر بمانند. این تصمیم یک جنایت آشکار در حق میلیونها کارگر در این جامعه است. حکومتی که کرور ثروتهای این جامعه را دارد صرف اوپاش بسیجی و پاسدار و تروریستهای اسلامی و مساجد و آخوندها و دم و دستگاه اسلامیش میکند، حکومتی که ثروتهای عظیم ساخته دست کارگران را به صورت حقوقهای نجومی به جیب ملیبران و کاربدستان

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

## کنگره دهم حزب

## اسناد، گزارش ها و پیام ها

## قطعنامه در مورد موقعیت ویژه جنبش کارگری

جنبش کارگری در ایران در آستانه جهشی بزرگ قرار گرفته است. در فضای متحول اجتماعی و موج هم سرنوشتی و همبستگی با مبارزات کارگری، این جنبش اکنون ثقل سیاسی مهمی در جامعه پیدا کرده، و به آستانه ایجاد تشکلهای توده ای کارگری رسیده است. مهمترین مولفه های این تحول و پیشروی چنین است:

۱- مبارزات کارگری، اعتصابات طولانی مدت و پی در پی در مراکز صنعتی و تجمعات در مقابل مراکز دولتی به امری روزمره تبدیل شده و اتحاد و همبستگی و پیوند بخشهای مختلف کارگران را تقویت کرده است. اعتراضات سراسری و رو به گسترش معلمان و بازنشستگان، یک جنبه مهم این تحول را بازتاب میدهد.

۲- جنبش افزایش دستمزد اکنون یک جنبش گسترده و اجتماعی است. خواست افزایش چندین برابر دستمزدها و مقایسه خط فقر و سطح موجود دستمزدها در شعارها و بیانیه های معلمان، کارگران و پرستاران و بازنشستگان بیان میشود. این خواست و جلو آمدن خواستهایی چون طب رایگان و تحصیل رایگان توقع کارگران و کل جامعه را از داشتن یک زندگی انسانی بیان میکند.

۳- تلاش کارگران و معلمان برای آزادی اعتراض و اعتصاب و تشکل در شکل مشخص و تعرضی حذف پرونده های امنیتی و غیر امنیتی کردن اعتراضات کارگری خود را بیان میکند و این امر ابعادی اجتماعی به خود گرفته است.

۴- تشکلهای کارگری مستقل از دولت و فعالین سرشناس جنبش کارگری که نقش ویژه ای در سالهای گذشته ایفا کرده اند، صف گسترده ای از رهبران کارگری که در دل اعتصابات و اعتراضات مکرر و طولانی پا به میدان گذاشته اند و شبکه ها و جمع های زیادی که در ابعاد محلی و سراسری شکل گرفته است، نیروی لازم برای شکل دادن به تشکلهای توده ای کارگری را فراهم کرده است.

۵- وجود طیف وسیعی از کارگران تحصیل کرده و دانشجویی، بافت دیگری به طبقه کارگر داده و توان مبارزاتی و سازمانیابی کارگران را بطور محسوسی بالا برده است.

۶- حضور خانواده ها در تجمعات اعتراضی کارگری گسترش یافته و به یک سنت رایج تبدیل شده است. این امر به جنبش کارگری بعد اجتماعی تری داده و زمینه جلب همبستگی با مبارزات کارگری را تقویت کرده است.

۷- مجمع عمومی بعنوان ابزاری برای تصمیم گیری جمعی و اقدام متحدانه در جریان بسیاری از مبارزات شکل گرفته است. در بیانیه ها و فراخوان های کارگران نیز گفتمان و فراخوان مجمع عمومی رواج بیشتری یافته و مجمع عمومی کارایی و اهمیت خود را برای دخالتگری توده های کارگران بیش از پیش نشان داده است.

۸- در میان معلمان، بازنشستگان و پرستاران، کارگران پتروشیمی ها و برق و آتش نشانی و برخی مراکز دیگر اعتراضات شکلی سراسری بخود گرفته و بستر مناسبی برای متشکل شدن

در سطح سراسری در این بخشها بوجود آورده است. ۹- روی آوری بخش های مختلف کارگران به مدیای اجتماعی و تشکیل گروههای مبارزاتی هزاران نفره در شبکه های اجتماعی نیز زمینه فراخوانهای سراسری و تشکل های کارگران را بیشتر فراهم کرده است.

۱۰- اکنون عملا کارگران و معلمان در کنار هم صف واحدی را تشکیل میدهند. طرح خواستههای مشترک و عمومی، از یکسو مبارزات بخش های مختلف کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بخش عظیمی از جامعه را به هم پیوند داده است و از سوی دیگر توجه و حمایت بخشهای مختلف جامعه و فعالین اعتراضات اجتماعی را به جنبش کارگری جلب کرده است.

۱۱- تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی لاعلاج حکومت، به جان هم افتادن مقامات حکومتی در سطوح مختلف، توان و اعتماد بنفست حکومت و ارگانهای سرکوب آنرا در مواجهه با مردم بشدت کاهش داده و توازن قوا را به نفع کارگران و عموم مردم تغییر داده است.

این پیشرویها و تحولات شرایط را برای ایجاد تشکل های توده ای کارگران فراهم کرده است. تحقق این امر و تعمیق و تشبیت پیشروی های تاکنونی یک اولویت مهم حزب کمونیست کارگری است. حزب برای ایجاد وسیع ترین اتحاد در میان کارگران و بخش های وسیع جامعه و جلب همبستگی هرچه گسترده تر بین المللی با کارگران در ایران پیگیرانه تلاش میکند و همه فعالین جنبش کارگری را به پیوستن به حزب سیاسی خود فرامیخواند.

## قطعنامه در مورد جنبشهای اجتماعی و چشم انداز انقلاب آتی در ایران

۱- تقابل میان توده مردم و حکومت گسترده و تعمیق شده و ابعاد تازه ای پیدا کرده است. شکل گیری جنبشهای اجتماعی و حرکات اعتراضی گسترده مردم در عرصه های متعدد و با شیوه های بدیع و ابتکاری در مقابله با قوانین و سیاستهای ضد انسانی حکومت، مضمون صریحا ضد کاپیتالیستی اعلامیه ها و بیانیه ها و فراخوانهای کارگری و پیشرویهای جنبش کارگری در مقابله با حکومت و قوانین و سیاستهای ضد کارگری و سرکوبگرانه حاکم، یک مولفه مهم وضعیت سیاسی ایران در شرایط حاضر است.

۲- مینا و نیروی محرکه جنبشها و اعتراضات گسترده جاری گرایش عمیق مردم به خلاصی از شر جمهوری اسلامی و بزیر کشیدن حکومت است. بجالش کشیدن حکومت و سرنگونی طلبی که خیزش میلیونی سال ۸۸ و شورشهای شهری در دهه قبل از آن نمونه های برجسته بروز و سر بلند کردن آن بود اکنون در متن و بطن جنبشها و حرکتی اعتراضی و در قالب فعالیتهای مطالباتی، صنفی، اجتماعی و مدنی متجلی میشود.

۳- انقلاب ادامه خطی جنبشهای اجتماعی نیست ولی سیر و

سرنوشت انقلاب تماما بوجود اعتراضات و جنبشهای اجتماعی در عرصه های مختلف، درجه تعیین و تشکل آنها، و گرایش سیاسی حاکم بر آنها وابسته است. جنبشها و اعتراضات گسترده جاری و چهره ها و نهادها و شبکه هائی که در دل آن شکل میگیرند و فعال میشوند، نشان دهنده تعمیق و تعیین هر چه بیشتر صفتبندی طبقاتی، شکل گیری ابزار و زمینه ها و نقاط اتکای انقلاب آتی، و امکان سازی و کسب آمادگی اجتماعی برای بزیر کشیدن انقلابی حکومت است.

با توجه به نکات فوق کنگره اعلام میکند: پیروزی انقلاب در گرو تامین هژمونی و رهبری یک حزب انقلابی است که در بطن مبارزات جاری نماینده آرمان و خواستههای انسانی، مدرن، برابری طلبانه و آزادیخواهانه در جامعه باشد. این نقش تعیین کننده ای است که حزب کمونیست کارگری میتواند و باید ایفا کند.

هرچه تقابل طبقاتی که در اعماق و در بطن جنبشها و فعالیتهای اعتراضی جاری جریان دارد بیشتر تبیین و تعیین بیابد، شفاف و آشکارتر شود، و در قالب خواستها و اهداف روشن در نبردهای

روزمره بیان و اعلام گردد، زمینه اجتماعی برای نمایندگی شدن این مبارزات بوسیله حزب بیشتر فراهم خواهد شد، و جنگ نهائی برای سرنگونی جمهوری اسلامی عمیق تر و رادیکال تر و پیروزمندانه تر خواهد بود.

تقویت و به پیش راندن این روند اساس و رکن استراتژی حزب برای رهبری انقلاب آتی مردم در ایران و کسب قدرت سیاسی است. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب و خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار، میتواند و باید نقطه اوج و حاصل نهائی این جدال طبقاتی باشد.

حزب کمونیست کارگری گسترش و رادیکالیزه شدن اعتراضات اجتماعی، پیشرویهای جنبش کارگری، و روند تعمیق قطنبندی طبقاتی را، که خود در شکل گیری آن نقش فعالی ایفا کرده است، یک گام مهم به پیش در تعمیق و تقویت جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران میدانند و با تمام توان برای گسترش و سازماندهی و رادیکالیزه کردن هر چه بیشتر این جنبش تلاش میکنند.

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

## اطلاعیه پایانی کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۲۱ و ۲۲ اسفند ۱۳۹۵ (۱۱ و ۱۲ مارس ۲۰۱۷) به شکل علنی در کشور آلمان برگزار شد. جلسات و مباحث کنگره مستقیماً و بطور زنده از طریق تلویزیون کانال جدید و اینترنت پخش میشد. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و به یاد عزیز منصور حکمت کار خود را شروع کرد.

سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی به شرایط سیاسی پرتحول ایران و نقش تعیین کننده مبارزات و اعتراضات اجتماعی گسترده کارگران و معلمان و بازنشستگان و زنان و سایر بخشهای جامعه در شکل دادن به این تحولات اختصاص داشت. او گفت در چند سال اخیر، بر خلاف سال ۸۸ و دوره قبل از آن، حرکتهای اعتراضی توده ای از شکل شورش و طغیان ناگهانی خارج شده و شکلی متعین، متشکل و مداوم یافته است و در این حرکتهای اعتراضی، جنبش کارگری دارای نقش و جایگاه برجسته ای است. وی این روند را سیر کریستالیزه شدن جامعه خواند و گفت این نوعی پولاریزه شدن طبقاتی جامعه و تدارک اجتماعی انقلاب آتی است. او همچنین تأکید کرد که حزب در این روند نقش مهمی ایفا کرده است و باید نقش و جایگاه خود را بدرستی بشناسد تا بتواند در سطح وسیعتر و به شکل فعالتری بر سیر تحولات سیاسی تأثیر گذار باشد.

دنبال افتتاحیه، اعتبارنامه نمایندگان کنگره و صحت انتخابات مورد تأیید قرار گرفت و پس از انتخاب هیات رئیسه، دستور جلسه به تصویب رسید و کنگره وارد دستور شد. دستور کنگره پیام مهمانان، گزارش هیات اجرایی، گزارش مسئولین کمیته ها و عرصه های مختلف مبارزات و کمپینهای حزب و بحث حول گزارشات، شش قطعنامه با عنوان "جنبش های اجتماعی و چشم انداز

انقلاب آتی در ایران" و "رشد گرایش چپ در جنبش های اعتراضی"، "موقعیت ویژه جنبش کارگری"، "تجربه کردستان عراق و راه حل مسأله ملی کرد"، "عروج راست افراطی در غرب" و "خطر ناسیونالیسم در مقابل اتحاد مبارزاتی مردم" و چهارده قرار حول موضوعات مختلف را در بر میگرفت.

در بخش پیامها خبات مجید از حزب کمونیست کارگری چپ عراق، صالح سرداری از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، وریا احمدی از حزب کمونیست ایران، بیکارجو رحمانی از سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان و منوچهر یزدیان از سازمان سکولار دموکراتهای ایران پیام سازمانهای متبوعه خود را قرائت کردند. حاتم لایینی و محمد هکیش از فعالین سیاسی و اتحادیه ای تونس و مراکش و اعضای شبکه همبستگی کارگری در خاور میانه و شمال آفریقا نیز پیام های کوتاهی به کنگره ارائه دادند. پاسخ سازمان راه کارگر به دعوت از آنها برای شرکت در کنگره و پیام بصیر نصیبی و همچنین فشرده ای از پیامهای کادرها و اعضای حزب از داخل ایران و خارج کشور و پیام تعدادی از فعالین سیاسی و اجتماعی به اطلاع کنگره رسید.

در مبحث گزارش، اصغر کریمی رئیس هیات اجرایی حزب تصویر فشرده ای از فعالیتهای حزب و پیشروی حزب در فاصله دو کنگره ارائه داد. در این گزارش به تحولات جامعه و پیشروی جنبش کارگری و جنبش های حق طلبانه دیگر اشاره شد و فعالیت حزب و کمیته ها و ارگان های مختلف آن بر متن این تحولات بررسی شد. تشخیص درست از اوضاع سیاسی و روندهای جاری در جامعه و عکس العمل سریع در قبال تحولات ایران، خاورمیانه و جهان، کار میدانی گسترده و موثر در جنبش های اعتراضی، استفاده موثر از تلویزیون کانال جدید و مدیای

اجتماعی و تداوم این جهتگیری و تمرکز بر امر سازمانیابی در جنبش کارگری و سایر جنبش های اعتراضی از نکات مهم این گزارش بود.

بدنبال گزارش اصغر کریمی مسئولین کمیته سازمانده، کمیته خارج کشور، کمیته کردستان، کمیته آذربایجان، سازمان جوانان کمونیست، مدیر تلویزیون کانال جدید، سردبیران نشریات و مسئولین سایتها و صفحات حزب و مسئولین حزبی در نهادها و کمپینهای اعتراضی شامل کمیته بین المللی علیه اعدام، فدراسیون پناهندگان ایرانی، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین برای آزادی کارگران زندانی، نهاد کودکان مقدمند، کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران و شبکه همبستگی کارگری خاور میانه و شمال آفریقا، هر کدام گزارش کوتاهی از عرصه فعالیت خود به کنگره ارائه کردند. پس از استماع گزارشات، نمایندگان کنگره حول گزارش به بحث پرداختند و نظرات و ارزیابی خود را از عرصه های مختلف فعالیت حزب مطرح کردند.

از اسناد ارائه شده به کنگره، پنج قطعنامه درمورد "جنبش های اجتماعی و چشم انداز انقلاب آتی در ایران"، "رشد گرایش چپ در جنبش های اعتراضی"، "موقعیت ویژه جنبش کارگری"، "تجربه کردستان عراق و راه حل مسأله ملی کرد" و "عروج راست افراطی در غرب" بعد از بحث و اظهار نظر نمایندگان به تصویب رسید. از اهمیت جنبش دادخواهی بازماندگان قتل عامهای دهه شصت، جنبش تشکل یابی کارگری، اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، حمایت از شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا، نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله

با آن، ورزش زنان در ایران، و دو قرار در مورد شیوه تصویب تغییرات در برخی از بندهای برنامه حزب. بعلت کمبود وقت، کنگره فرصت نیافت قطعنامه خطر ناسیونالیسم در مقابل اتحاد مبارزاتی مردم و چند قرار باقیمانده را مورد بررسی قرار دهد و بررسی آنها را به کمیته مرکزی انتخابی کنگره سپرد.

در طول دو روز کنگره بیانیه ای تحت عنوان "علیه راسیسم و فاشیسم به میدان بیابید" که توسط مینا احدی به کنگره ارائه شده بود و همچنین پیامی خطاب به مردم آزاده جهان قرائت شد و مورد تأیید پرشور حضار قرار گرفت. مصوبات و پیام های کنگره و گزارش هیئت اجرایی حزب در نشریات و سایت های حزب منتشر میشود.

در مبحث انتخابات، کنگره دهم حزب ۶۱ نفر را بعنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب نمود که عبارتند از: فریده آرمان، فراز آزادی، پیام آذر، کیان آذر، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، محمود احمدی، عبدالله اسدی، ناصر اصغری، غلام اکبری، نازنین برومند، بهروز بهاری، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، آذر پویا، حمید تقوایی، امیر توکلی، کیوان جاوید، جلیل جلیلی، علی جوادی، طه حسینی، شهلا خباززاده، شهلا دانشفر، میترا دانشی، پاسکال دکامپ، پتی دبنویستاس، نسرین رمضانعلی، هرمز رها، بهرام سروش، هوشیار سروش، سعید سلحشور، کریم شامحمدی، عصام شکری، محمد شکوهی، شیرین شمس، مصطفی صابر، سوسن صابری، حسن صالحی، جمیل فرزاد، سیروان قادری، سرور کاردار، اصغر کریمی، محمد امین کمانگر، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، عباس ماندگار، شیوا محبوی، یدی محمودی، سعید مدانلو، شهناز مرتب، بهروز مهرآبادی، کاوش مهران، نوید مینائتی، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم

نیکخواه، رحیم یزدانپرست و بابک یزدی.

در سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی با اشاره بر اهمیت اسناد مصوب کنگره و در مورد جنبشهای اعتراضی و جایگاه آنها در سرنگونی حکومت و همچنین مقابله با جریانات مختلف ناسیونالیسم قومی در ایران و راسیسم و فاشیسم در غرب، تأکید کرد که کل این جریانات به کمپ سرمایه، به اردوی یک درصدیها و به صف مقابل توده مردم تعلق دارند. او گفت مصوبات کنگره راه مقابله با کل این جریانات - از جمهوری اسلامی تا نیروهای اپوزیسیون راست و تا جریانات فاشیستی در غرب- را نشان میدهد و هموار میکند. او اسناد و قرارهای مصوب کنگره نظیر قرار در مورد جنبش دادخواهی، رشد گرایش چپ در جنبشهای اعتراضی، نقش مخرب ناسیونالیسم ترک، جنبش تشکلیابی کارگران، ورزش زنان، موقعیت ویژه جنبش کارگری و غیره را نشانه دخیل بودن و درگیری فعال حزب در جنبشهای جاری دانست و اظهار امیدواری کرد که حزب بر مبنای جهتگیری و بحثها و مصوبات کنگره و با اتکا به دستاوردهای تا کنونی خود بتواند بیش از پیش به یک نیروی موثر و پرنفوذ اجتماعی تبدیل بشود. کنگره پس از دو روز کار فشرده در فضائی پر شور و صمیمانه، که از آغاز بر جلسات آن حاکم بود، به کار خود پایان داد.

در حاشیه جلسات کنگره جلسه سخنرانی حمید تقوایی با عنوان "عروج فاشیسم، زمینه ها و پیامدها" برگزار شد.

در نشست کوتاه اعضای کمیته مرکزی که بلافاصله بدنبال کنگره برگزار شد، حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی و ۲۳ نفر زیر به عنوان عضو دفتر سیاسی انتخاب شدند:

کیان آذر، فریده آرمان، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

## قطعنامه در مورد عروج راست افراطی در غرب

۱- سر بلند کردن راست افراطی در غرب (انتخاب ترامپ، برگسیت، نفوذ احزاب راسیستی در برخی کشورهای اروپایی) یک پیامد بحران و بی افقی بورژوازی جهانی و مشخصاً بی اعتباری سیستم حکومتی بورژوازی در غرب است. در شرایطی که فریدمنیسم و نتولیرالیسم به بن بست رسیده و کینزینیسم و دولت رفاه نیز مدت‌هاست دوره اش سپری شده است. راست ترین و ارتجاعی ترین احزاب و چهره های بورژوازی فرصتی برای ابراز وجود پیدا کرده اند. عروج راست افراطی نشانه بن بست و ورشکستگی نظری دکترینهای بورژوازی و رسوائی و بی اعتباری سیاسی احزاب سنتی و متعارف طبقه حاکمه و کل سیستم حکومتی موجود در نزد توده مردم جوامع غربی است.

عقب نشینی از جوامع مدنی و مدنیت و جانشین کردن آن با جوامع موزائیکی مرکب از مذاهب و اقوام مختلف زمینه و فضای فکری را برای راست افراطی و نژادپرستی نوع ترامپ مهیا کرد. راسیسم و پست مدرنیسم در انکار ارزشهای جهانشمول انسانی همنظر اند. تنها تفاوت در این است که یکی خواهان تحمل و گفتگوی تمدنها و دیگری خواهان جنگ تمدنها است. راسیسم پست مدرنیسمی است که تحمل اش به سر رسیده است.

۴- از نظر خط و جهتگیری سیاسی راست افراطی در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی گرایش و مواضع فوق ارتجاعی ای را نمایندگی میکند. برتری طلبی ملی و نژادی، زن ستیزی، ضدیت با مهاجرین و کلا با خارجی ها، ضدیت با محیط زیست، ضدیت با همجنسگراها و غیره از ارکان هویتی و ارکان سیاسی راست افراطی است. این مواضع سیاستها تماما در برابر گرایشها و خواستها و آمال انسانی توده نود و نه درصدی مردم و حتی در مقابل سطح تمدن موجود در غرب قرار میگیرد.

۵- از نظر سیستم حکومتی راست افراطی در تلاش برقراری نوعی فاشیسم و حکومت پلیسی است. دامن زدن به رعب و ترس و ناامنی در جامعه، تبلیغات و ادعاهای سراپا دروغ نوع گویزی، تعرض به رسانه ها و مطبوعات، عقب راندن و محدود کردن آزادیهای مدنی، تفرقه افکنی نژادی- مذهبی در جامعه و تهییج و بسیج پرپولیستی توده مردم بر مبنای تعصبات ملی و نژادی و مذهبی، از ارکان این دیکتاتوری است. دولت ترامپ نمونه گویائی از این سیستم حکومتی را بدست داده است.

۶- اسلام سیاسی که در اواخر دوره جنگ سرد بعنوان نیروی مقابله با "خطر" کمونیسم و کمپ شوروی، و سپس بعنوان محور شر و هدف نظامی بورژوازی آمریکا برای اعمال هژمونی اش در دوره پسا جنگ سرد

به کار گرفته شده بود اکنون بعنوان دشمن اصلی مسیحیت و فرهنگ آنگلو ساکسون هدف بورژوازی غرب معرفی میشود. در سیستم عقیدتی و استراتژی راسیسم نوپا، اسلام و اسلامیسیم نماد و مظهر دشمن مذهب و ملت و نژاد خودی است. با این تقابل این دو نیروی فوق ارتجاعی به یکدیگر زمینه میدهند و یکدیگر را توجیه و تقویت میکنند.

۷- از نظر اقتصادی راست افراطی پروتکشنیسم و ناسیونالیسم اقتصادی (تمرکز بر بازار داخلی، سرمایه گذاری داخلی و سیاستهای نظیر آن) را نمایندگی میکند. این بخشی از جهتگیری ضد خارجی این نیروهاست. اینان تلاش میکنند خارجی ها (هم کارگران خارجی و هم دولتها و سرمایه خارجی) را مسئول مسائل حاصل از بحران سرمایه داری قلمداد کنند. برگسیت و ضدیت با اتحادیه اروپا از جانب راست افراطی در اروپا و سیاستهای ضد مهاجر، ضد تجارت و قراردادهای بین المللی ترامپ ناشی از این جهتگیری است.

۸- چهره ها و نیروهای چپ سنتی و چپ سربرآورده از احزاب بورژوائی در غرب نیز از پروتکشنیسم اقتصادی حمایت میکنند. آنها از زایه مخالفت با گلوبالیسم و سلطه سرمایه مالی (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، اتحادیه اروپا و غیره) به ناسیونالیسم اقتصادی میرسند.

۹- در شرایط امروز دنیا پروتکشنیسم و ناسیونالیسم اقتصادی توهمی بیش نیست. سرمایه داری جهانی نمیتواند مناسبات و تقسیم کاری که در سطح دنیا بین بخشهای مختلف سرمایه شکل گرفته است را نفی کند، به بازار داخلی بازگردد و همچنان سودآور باشد. بازگشت به "میهن" بحران سرمایه داری جهانی شده را تخفیف نمیدهد، آزا برتابت تشدید میکند. برای کارگران و توده کارکن مردم ناسیونالیسم اقتصادی بجز ریاضت اقتصادی شدید تر و فقر و

بی تاملی اقتصادی بیشتر معنائی ندارد.

۱۰- نه از نظر سیاسی و نه از لحاظ اقتصادی راست افراطی آلترناتیو استراتژیک و راه حل عملی ای برای بورژوازی جهانی نیست. بلکه صرفاً بازتاب بن بست و بی افقی سرمایه و "راه حل" ای است که نهایتاً بحران بورژوازی را برتاب تشدید خواهد کرد. از نقطه نظر اجتماعی نیز راسیسم و ناسیونالیسم در قرن بیست و یکم، عصر جهانی شدن سرمایه جهانی شدن مبارزه علیه سلطه سرمایه، عصر مدیای اجتماعی و تبدیل دنیا به یک دهکده جهانی، نمیتواند آلترناتیو کارساز و ماندگاری برای بورژوازی به بن بست رسیده باشد. از نقطه نظر بورژوازی غرب راست افراطی تنها میتواند نقش یک کاتالیزور را ایفا کند. بورژوازی امیدوار است دولتهای نوع ترامپ بتوانند برای طبقه حاکمه وقت بخرند و با به قهقرا کشیدن جامعه، باز پس گرفتن دستاوردهای جنبش کارگری و جنبشهای مترقی در دوره های گذشته، و کاهش سطح توقعات و انتظارات مردم راه را برای بازگشت احزاب متعارف تر بورژوازی بقدرت هموار کنند.

۱۱- ریاست جمهوری ترامپ و قدرتگیری احزاب راست افراطی در اروپا با موجی از اعتراضات و تلاطمهای اجتماعی روبرو شده است و این موج رو به گسترش است. نود و نه درصدیهای جامعه به تشدید ریاضت کشی اقتصادی، زن ستیزی و نفرت پراکنی راسیستی، و نفی حقوق سیاسی و مدنی و اجتماعی شان تن نمیدهند. این وضعیت زمینه را برای شکلگیری یک جنبش رادیکال چپ و با افق سوسیالیستی در غرب فراهم میکند.

۱۲- شرایط حاضر نقد ریشه ای کاپیتالیسم و انساندوستی و آزادخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی را به یک گفتمان رایج در صفوف چپ اجتماعی و توده مردم تبدیل کرده است. اما این گرایش رادیکال اجتماعی بوسیله

چپ متحزب در غرب نمایندگی نمیشود. گرایشها و احزاب سنتی چپ جریانهای حاشیه ای و کاملاً بی ربط به سیاست و مسائل امروز جامعه و بدور از اعتراضات و جنبش چپ اجتماعی هستند. از سوی دیگر نقد و اعتراض نیروها و شخصیتهای نظیر ساندرز و کوربین که توانسته اند در فضای ضد کاپیتالیستی جامعه با ادعای سوسیالیسم و مخالف با یک در صدها نفوذ و محبوبیت اجتماعی کسب کنند از چهارچوب سیستم سرمایه داری فراتر نمیرود. این نیروها نماینده سوسیالیسم و حتی چپ اجتماعی موجود در این جوامع نیستند بلکه صرفاً بازتاب و انعکاسی از حضور و قدرت چپ اجتماعی در صفوف الیت سیاسی در غرب محسوب میشوند.

۱۳- آنچه به تحولات این دوره شکل میدهد و سرنوشت توده مردم دنیا را رقم خواهد زد نه کشاکش در صفوف بورژوازی بین احزاب سنتی با افراطی و یا لیبرالیسم و نتولیرالیسم با نتولفاشیسم بلکه مقابله میان دو قطب کار و سرمایه، میان کمپ نود و نه درصدیها و یک درصدیها است. در قطب مقابل راسیسم و ناسیونالیسم، سوسیالیسم قرار دارد. سوسیالیسمی که حزب ما، حزب کمونیسم کارگری نمایندگی میکند. ما در برابر "جنگ تمدنها" ارزشها و تمدن جهان شمول انسانی، در مقابل نقد راسیستی اسلام و مسلمانان نقد اته ایستی و سکولاریستی اسلام، در برابر مهاجر و خارجی ستیزی دفاع از برابری و حقوق مساوی برای همه افراد جامعه، در برابر ناسیونالیسم شونیستی انترناسیونالیسم، و در برابر کاپیتالیسم بحرانزده سوسیالیسم را قرار میدهم. اینها جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در دوره حاضر و محور وظایف کمونیستهای است که در دنیای به منجلا و به قهقرا کشیده شده بورژوازی، برای برابری و آزادی و رهائی سوسیالیستی، برای انسانیت و برای باز گرداندن اختیار به انسان مبارزه میکنند.

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

# قطعنامه در مورد تجربه کردستان عراق و راه حل مساله ملی کرد

۱- بی اعتبار شدن الگوی حکومتی ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق موقعیت جریانات ناسیونالیست کرد در ایران و دیگر کشورها را تضعیف کرده است. نمونه اقلیم کردستان که در مقطعی به کعبه آمال ناسیونالیستها و بعنوان مدینه فاضله ناسیونالیسم کرد معرفی میشد، اکنون به نقطه ضعف آن تبدیل شده است. موج نارضایتی مردم کردستان عراق از این حکومت ناسیونالیستی و به جریان افتادن اعتراضات توده‌ای حول مطالبات اقتصادی و رفاهی و آزادی‌های اجتماعی فضای تازه‌ای به کردستان داده است. مردم کردستان عراق در حرکت‌های اعتراضی‌شان نفرت و خشم عمیق خود را از دولت اقلیمی علنا بیان میکنند و خواستار برکناری احزاب حاکم هستند.

۲- قدرتگیری احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق از اوایل دهه نود میلادی تحوّل تازه‌ای در میان نیروها و احزاب ناسیونالیستی کرد در ایران ایجاد کرد. برخی از احزاب

ناسیونالیست کرد با الهام از تجربه عراق به دولت آمریکا و رسیدن بقدرت در چهارچوب سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا امید بستند. حتی بخشی از نیروهای چپ سنتی و ناسیونالیستی در کردستان و حامیان سراسری‌شان پرچم فدرالیسم را به عنوان راه حل ستم ملی و مسئله ملی کرد بلند کردند. اکنون تجربه عملاً شکست خورده کردستان عراق و همچنین همبستگی مبارزاتی مردم کردستان با بقیه مردم ایران این طرحها و "راه حل" های ناسیونالیستی را به عقب رانده و در جامعه حاشیه‌ای کرده است.

۳- تجربه کردستان عراق یک بار دیگر نشان میدهد که مردم تنها با رفع ستم ملی خوشبخت نخواهند شد. برخلاف ادعای جریانات ناسیونالیستی کرد، رفع ستم ملی فقط یکی از خواسته‌های برحق مردم کردستان در هر چهار کشور است. مردم ساکن کردستان همانند بقیه ساکنین کشور در همه بخشهای دیگر، دهها مطالبه و خواست حق

طلبانه دارند که با حل مساله ملی پاسخ نمیگیرند. احزاب ناسیونالیست کرد و جنبشهای ملی نه تنها این خواسته‌ها را نمایندگی نمیکند، بلکه یک مانع اساسی بر سر راه اتحاد مردم و تحقق مطالبات آزادیخواهانه محسوب میشوند.

۴- اساس و محور مبارزه مردم کردستان ایران، مقابله با مصائبی است که جمهوری اسلامی به تمام مردم ایران تحمیل کرده است. اعتراضات و مبارزات مردم در کردستان ایران بطور واقعی و عملی بخشی از مبارزه سراسری مردم علیه جمهوری اسلامی است و از این نقطه نظر ستم ملی و نیروهای ناسیونالیستی مدعی حل این مساله در مقایسه با مناطق دیگر کردستان بویژه کردستان عراق ثقل و جایگاه فرعی‌تر و حاشیه‌ای تری دارد. این شرایط الگوهای ناسیونالیستی را در کردستان ایران بیش از مناطق دیگر بی اعتبار میکند.

۵. احزاب و نیروهای ناسیونالیستی، اعم از ناسیونالیسم کرد و فارس، عامل تفرقه و تشتت و اشاعه دهنده تعصبات قومی و ملی در میان مردم هستند. یک پیش شرط رهایی مردم کردستان از ستم ملی و فقر و محرومیت و همه مصائبی که جمهوری اسلامی به مردم ایران تحمیل کرده است، نقد و افشا و منزوی کردن جریانات و احزاب ناسیونالیستی است. با اتکا به مولفه‌های فوق ما توجه فعالین و رهبران جنبشهای اجتماعی آزادیخواهانه و چپ و کمونیست جامعه را به نکات زیر جلب میکنیم.

۱. راه حل ما برای رفع ستم ملی اینست که حقوق همه افراد جامعه به عنوان شهروندان متساوی الحقوق برسمیت شناخته بشود.

۲. حل مسئله ملی کرد تنها با رجوع به آرا مردم ساکن کردستان و برگزاری رفرااندوم ممکن خواهد شد. مردم ساکن مناطق کردنشین در کشورهای ایران و عراق و سوریه و

ترکیه حق دارند در یک رفرااندوم آزاد درباره ماندن یا جدا شدن از کشور مربوطه تصمیم بگیرند.

۳. ما از مبارزات آزادیخواهانه مردم در کردستان عراق پشتیبانی میکنیم و در شرایط حاضر با توجه به تاریخ و شرایط ویژه عراق راه حل مساله کرد در عراق را استقلال کردستان از عراق میدانیم.

۴- ما نقد و حاشیه‌ای کردن فرهنگ و سنت و سیاستهای جنبش ناسیونالیستی را یک امر و وظیفه همیشه‌گی خود می‌دانیم.

۵. ما همه نیروها و فعالین چپ و سکولار و آزادیخواه را به مبارزه پیگیر و فعال حول مطالبات فوری و حق طلبانه مردم و رهایی جامعه از ستم ملی و برای حل مسئله ملی کرد فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری با تمام توان در پیشبرد سیاستهای فوق خواهد کوشید.

## قطعنامه در مورد رشد گرایش چپ در جنبش های اعتراضی

تقابل مردم با جمهوری اسلامی در سراسر جامعه و در تمام عرصه‌های اجتماعی جریان دارد. این مبارزه‌ای است که دائما به لحاظ طبقاتی عمیق تر و به لحاظ دامنه گسترده تر و فعالتر میشود. این جنبش صرفاً یک جنبش مطالباتی نیست، بلکه جنبشی است که مصائب اساسی سرمایه داری حاکم را به مصاف گرفته است. در این جنبش گفتن ضد سرمایه داری و چپ جلو آمده است. این یک نقطه عطف و تحول مهم در جامعه ایران است. مشخصات اصلی این تحول اینهاست:

۱- مبارزات مردم با حکومت گرچه اغلب در قالب صنفی و مدنی بیان میشود اما عملاً به معنای دست بردن مردم به ریشه و مورد اعتراض قرار دادن مصائب کل نظام سرمایه

داری است. دفاع از آزادیخواهی، انسان دوستی، برابری طلبی و به مصاف گرفتن تمام ناهنجاریهای اجتماعی و تمام عوارض و فجایع تبعیضات حاکم در جامعه و ضدیت با ستمگری و فساد و دزدی و امتیازات بالایی‌ها نشانگر چپ بودن ایده‌آلها و آرمانهای غالب در جامعه است.

۲- اهمیت و جایگاه سیاسی کارگر و جایگاه جنبش کارگری در جامعه ارتقا یافته است. تصویر قدیمی از کارگران بعنوان بخش فرودست و کم توقع و مظلوم کاملاً زیر و رو شده و اکنون بطور واقعی این کارگران پیشرو هستند که دارند توقعات و انتظارات جامعه را جلو میکشند و بالا میبرند.

۳- رشد همبستگی و هم سرنوشتی بخشهای مختلف مردم با یکدیگر و

پشتیبانی از خواسته‌های سراسری و بحق هر بخشی از جامعه یک جزء جدایی ناپذیر مبارزات اجتماعی است. این روند بویژه در میان کارگران و معلمان و دانشجویان بوضوح قابل مشاهده است. این همبستگی‌ها بیش از هر چیز خود را در تشکلهای و نهادها و گروههای مبارزاتی که در جامعه و مدیای اجتماعی شکل گرفته اند، نشان میدهد.

۴- در مبارزات و اعتراضات بخشهای مختلف جامعه یک روند و گرایش مدرن و دفاع از ارزش‌های پیشرو و جهانشمول در برابر عقب ماندگی و سنت گرایی و تعصبات و تابوهای ملی و مذهبی دست بالا پیدا کرده و به موازات آن گرایش چپ و رادیکال در مقابل گرایش راست و عقب مانده، در خواست‌ها و در

اشکال مبارزه بوضوح خود را نشان میدهد.

۵- در تقابل با مقدسات و اخلاقیات پوسیده و قوانین فوق ارتجاعی حاکم و حرص و فساد کل رژیم اسلامی سرمایه یک جنبش گسترده دفاع از حقوق شهروندی و دفاع از زندگی و حرمت و منزلت فردی جلو آمده و به بستر اصلی اعتراضات تبدیل شده است.

۶- در مقابله با جمهوری اسلامی، رویگردانی از مذهب و نفرت از مسجد و آخوند و سنتهای مذهبی همه جا با قدرت و آشکارا خود را نشان میدهد. نقد طبقاتی و سیاسی مذهب، یعنی افشای دستگاه مذهب بعنوان اهرم دفاع از بالایی‌ها و توجیه کننده تبعیضات و امتیازات طبقاتی، جای برجسته‌ای در گرایش ضد مذهبی در جامعه

پیدا کرده است.

۷- تاثیر این وضعیت بر حکومت اسلامی تشتت بیشتر و نزاعهای درونی عمیق تر است. جنبشهای اجتماعی آن عامل اصلی است که باعث شده است که برخی قوانین پایه‌ای حکومت به موضوع مجادله‌ها حتی در درون خود حکومتی‌ها تبدیل شود و زیر سوال قرار گیرد. این تشتت و نزاعها جمهوری اسلامی را در مقابل موج پیشروی مردم هر روز ناتوان تر کرده است.

۸- نه فقط صفوف حکومت به هم ریخته است، بلکه کل جبهه راست و بورژوازی آشکارا دچار تشتت است و یکی از دلایل اصلی این تشتت رشد آگاهی مردم و فشار انتظارات و توقعات بالای مردم است. در این شرایط برخی جریانات راست سعی

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

## قرار در حمایت از شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا

داری تبدیل شده، کنگره از تشکیل شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا استقبال میکند و مورد حمایت قرار میدهد. کنگره از رهبری منتخب حزب میخواهد در تقویت و گسترش این نهاد بطور جدی تلاش کند.

با توجه به اینکه همبستگی بین المللی کارگری يك امر مهم و حیاتی است و با توجه به اینکه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به یکی از کانونهای جنگ ها و جنایات و تفرقه افکنی های ملی و قومی توسط نیروهای اسلامی و دولتهای سرمایه

## قرار در باره اهمیت جنبش دادخواهی بازماندگان قتل عامهای دهه ۶۰

۳۸ سال حکومت جمهوری اسلامی همراه با کشتار و ترور آزادیخواهان و کمونیستها بوده است. کشتارهای دهه ۶۰ را می توان يك نسل کشی و یکی از دهشتناک ترین جنایات در تاریخ بشریت نامید. در سالهای اخیر بازماندگان قتل عام شدگان توسط جمهوری اسلامی به مناسبت های مختلف به دادخواهی برخاسته و خواهان روشن شدن ابعاد فاجعه و

محاکمه عاملین و آمرین قتل عامها شده اند. این یکی از عرصه های مهم نبرد با جمهوری اسلامی است. کنگره دهم حزب کمونیست کارگری بر جایگاه مهم جنبش دادخواهی و خواست بر حق بازماندگان این فاجعه انسانی تاکید داشته و بر حمایت از این جنبش و پیشبرد آن تاکید میگذارد.

## قرار در مورد اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی

کارزار در این عرصه از مبارزه و علیه سرکوبگری های حکومت اسلامی و دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی های پایه ای در جامعه تاکید دارد و با تمام توان برای پیشبرد کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات فعالیت میکند.

بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی و کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، به کارزاری اجتماعی تبدیل شده است. این کارزار مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را گام مهمی به جلو برده است. حزب بر جایگاه مهم این

## قرار در مورد جنبش تشکیلی کارگری

و هدف و امر در خود در دستور کار فعالین جنبش کارگری قرار بگیرد. فعالین این جنبش در هر مبارزه و اعتراض کارگری امر متحد و متشکل شدن و متشکل ماندن کارگران را دنبال میکنند و این امر را يك شاخص مهم پیشروی کارگران در هر اعتراض و مبارزه ای میدانند. جنبش تشکل یابی میتواند و باید همانند جنبش افزایش دستمزد به يك جنبش علنی و گسترده با نهادها و چهره ها و بیانیه های ویژه خود تبدیل بشود.

حزب کمونیست کارگری با تلاش برای تقویت جنبش مجمع عمومی و تشکیل مجمع عمومی، و با حمایت از هر تشکل کارگری مستقل از دولت و از هر تلاش فعالین کارگری برای ایجاد تشکلهای توده ای، فعالانه برای شکل دادن به يك جنبش گسترده برای تشکیلی کارگران مبارزه میکند و همه فعالین کارگری را به این جنبش فرامیخواند.

## قرار در باره نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن

۴- جریان ناسیونالیستی نیروهای ارتجاعی هستند که با نفرت و تعصب پراکنی ملی و قومی یکدیگر را تغذیه میکنند، به یکدیگر زمینه میدهند و عملاً همدیگر را تقویت میکنند. تبلیغات و عملکرد فاشیستی ناسیونالیسم ترک علیه مردم کردستان و دیگر مناطق ایران عملاً در خدمت ناسیونالیسم ایرانی و سایر ناسیونالیستهای قوم پرست قرار دارد. این تفرقه افکنی های ملی - قومی در تضاد و تقابل با مبارزه متحدانه مردم برای رسیدن به خواسته های انسانیشان عمل میکند و عملاً در خدمت جمهوری اسلامی است.

۵- کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری برای تقویت و متحد کردن صف بزرگ آزادیخواهی و برابری طلبی در آذربایجان علیه ناسیونال - فاشیسم ترک، ترک ستیزی ناسیونالیسم فارس، و علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کند. کنگره دهم حزب با تاکید مجدد بر اهمیت مقابله با هرگونه تحرك ناسیونالیستی از رهبری منتخب حزب میخواهد در جهت تقویت این عرصه از مبارزه فعالیت همه جانبه تری را در دستور بگذارد. کنگره همه نیروهای چپ و آزادیخواه و برابری طلب و فعالین جنبشهای اعتراضی را فرامیخواند برای مقابله با ناسیونالیسم و ناسیونالیستها و جهت تقویت این عرصه از مبارزه متحدانه به میدان بیایند.

با توجه به اینکه ۱- تشکل نه تنها ابزار و سلاح مبارزه بلکه ظرف تحقق و تحکیم هویت جمعی و ابراز هویت طبقاتی کارگر است و ازینرو بعنوان يك امر و هدف در خود جایگاه مهم و حیاتی در جنبش کارگری دارد.

۲- در شرایط حاضر از یکسو تشکیل مجمع عمومی و فراخوان به آن به يك سنت در اعتراضات کارگری تبدیل شده است و از سوی دیگر در بخش هایی از طبقه کارگر اولین جوانها و نمونه های تشکلهای توده ای و سراسری شکل گرفته است. این نشاندهنده آمادگی شرایط برای ایجاد و تثبیت تشکلهای توده ای کارگری است. کنگره بر ضرورت و امکانپذیری شکل دادن و دامن زدن به جنبش تشکیلی کارگری در شرایط حاضر تاکید میکند و تلاش میکند تا ایجاد تشکل بعنوان يك اولویت

۱- جامعه ایران - از جمله آذربایجان - صحنه اعتراضات گسترده و دائمی توسط کارگران، زنان، جوانان و توده های وسیع مردم علیه فقر، تبعیضات اجتماعی، نابرابری و سرکوب و قوانین مذهبی است. پیشروی و پیروزی این مبارزات در گرو اتحاد و همیاری و همبستگی همه این مردم در برابر حکومت اسلامی است.

۲- ناسیونالیسم در همه اشکال آن - از ناسیونالیسم عظمت طلب آریایی گرفته تا ناسیونالیستهای قوم پرست - يك جریان راست ارتجاعی و يك نیروی مخرب سیاسی است که مشغول نفرت پراکنی میان بخشهای مختلف مردم و تفرقه انداختن در صفوف اعتراضات مردم است. محافل حاکم در خود جمهوری اسلامی نیز آگاهانه در تحریکات ناسیونالیستی و قوم پرستانه نقش ایفا میکنند.

۳- ناسیونالیسم ترک یکی از مخربترین و فعالترین شاخه های ناسیونالیسم است که تلاش میکند ستم و تبعیض و تحقیر علیه مردم آذربایجان را در دستمایه تبلیغات ارتجاعی خود قرار دهد. آشکارا افکار فاشیستی برتری نژادی را تبلیغ میکند و دستش در دست مرتجعین درون حکومت اسلامی و برخی دیگر حکومتهای ارتجاعی منطقه برای تفرقه انداختن در اعتراضات مردم است. نفرت پراکنی میان کارگران و مردم محروم آذربایجان علیه سایر هم طبقه ای ها و هم سرنوشتهایشان در سایر نقاط ایران اساس سیاست و عملکرد ناسیونالیسم ترک است.

## قرار در مورد ورزش زنان

گسترش این کارزارها تلاش میکند.

مبارزه علیه آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی اسلامی آن، حمایت همه جانبه خود را از این مبارزات اعلام میدارد و برای تقویت و

مختلف ورزشی، در ایران جاری است. و با توجه به اینکه ورزش هم اکنون یکی از عرصه های مهم اعتراضی جنبش رهایی زن در ایران است، حزب در راستای

این موضوع از جمله حق زنان برای ورود به استادیوم های ورزشی، حق دوچرخه سواری زنان، اعتراض علیه شرط حجاب برای شرکت زنان در عرصه های

با توجه به اینکه ورزش زنان یکی از عرصه های بروز تبعیض جنسیتی و آپارتاید جنسی علیه زنان، است. با توجه به اینکه کارزارهای اجتماعی مهمی بر سر

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

# متن سخنرانی وریا احمدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

در شرایط کنونی با چنین منشوری، احزاب چپ می توانند بر سر براندازی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی توافق نمایند و قدم بعدی آن را تشکیل حکومت کارگری هدف قرار دهند.

بحث بر سر استراتژیهای متفاوت و اختلافها نیست. ما میتوانیم این تفاوتها را شفافتر نماییم. بحث بر سر کمک به شکل گیری یک قطب سیاسی نیرومند چپ در جامعه و یاری رساندن به آن است.

شکل دادن به یک قطب چپ می تواند، چپ اجتماعی نیرومند درون جامعه را به تناسب نیرویی که دارد در صحنه سیاسی نمایندگی کند و توازن قوای مناسب تری را در تقابل با صف رنگارنگ نیروهای بورژوازی برای پیشروی نیروهای جنبش چپ و کمونیستی ایران فراهم آورد. امیدواریم کنگره دهم حزب کمونیست کارگری این امر مهم را مد نظر قرار دهد.

بار دیگر برایتان آرزوی کنگره موفق داریم موفق باشید

می گذارد. همانطور که رفیق حمید تقوایی نیز گفت، در این میان جنبش کارگری پر تحرک ترین جنبش اجتماعی در ایران است.

بر متن گسترش این مبارزات، باورهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه و چپ در قامت حضور فعالین و پیشروان رادیکال جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی به یک نیروی اجتماعی تبدیل شده است. اما این نیروی اجتماعی چپ به تناسب نیرویی که دارد در صحنه سیاسی ایران نمایندگی نمی شود و از پراکندگی رنج میبرد.

در چنین شرایطی سوال ما از شما و احزاب چپ در ایران این است که آیا نمیتوانیم با هم، به شکل گیری یک قطب چپ در جامعه کمک کنیم؟ احزاب راست در مقابل ما این کار را میکنند. ما چکار میکنیم؟ همکاری احزاب چپ و کمونیست شروع شده است. همکاری نیروهای جنبش چپ و کمونیستی ایران حول منشور سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی زمینه مناسب تری را برای همکاری و اتحاد عمل گسترده فعالین گرایشات مختلف چپ در درون جامعه فراهم می آورد.

رفقای گرامی، خدمت همه شما عزیزان سلام عرض میکنم و امیدوارم کنگره موفق داشته باشید.

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری در شرایطی برگزار می گردد که رژیم جمهوری اسلامی با بحران همه جانبه ای مواجه است و سیاست های تهاجمی این رژیم در سطح منطقه و هزینه های کلانی که صرف مداخله گری اش در کشورهای منطقه می کند، هیچ تناسبی با موقعیت داخلی آن ندارد. با گذشت بیش از یک سال از برجام هنوز هیچ چشم اندازی برای برون رفت از این بحران ها وجود ندارد. اما در دل این بحران ها، جنب و جوش و مبارزه بدون وقفه جریان دارد. گسترش مبارزات کارگری، تداوم مبارزه زنان علیه سیاست های آپارتاید جنسی، اعتراض علیه تخریب محیط زیست، مبارزه در دفاع از حقوق کودکان، خیزش علیه نامنی جاده ها، مبارزه علیه اعدام، مبارزه زندانیان سیاسی، تحرك مردم حاشیه شهرها برای گرفتن خدمات شهری و مبارزه دانشجویان تصویر یک جامعه زنده و پر جنب و جوش را به نمایش

## پیام حزب حکمتیست

### به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

نفوذ سیاسی قرار گرفته است. نشستهای مکرر و متناوب آستانه و ژنو پیش درآمد بند و بستهای قدرتهای رقیب امپریالیست و دولتهای رقیب منطقه در این راستا هستند.

سیمای سیاسی جهان و پارامترهای ژئوپولیتیک آن در حال دگرگونی است. در خاورمیانه بحرانزده، فقر و بیحقوقی و تروریسم و آوارگی دهها میلیونی بیداد میکند. شیرازه مدنیت و استانداردهای زندگی شهروندان به هم ریخته است. این منطقه اکنون در منگنه جدال برتری طلبانه قدرتهای امپریالیست و تشدید رقابت دولتهای مترجع منطقه در حال تقسیم مجدد مناطق

# پیام شورای مرکزی سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

هستیم که در نفس خود نویدبخش هستیم؛ بروز اعتراضات ملیونی طبقه کارگر و پذیرفتن بربریت جاری این را به اثبات می رساند که نیولیبرالیسم و سرمایه داری سرنوشت محتوم بشریت نبوده، نیست و نخواهد بود. اما در دل این وضعیت آنچه که غایب است و بیشتر از هر زمانی ضرورت وجودش به عینیت درک می شود، تحزب سوسیالیستی کارگران و همبسته گی طبقه کارگر و پیشروان سوسیالیست

آن در سطح جهان است. طبقه کارگر ایران علی الرغم استبداد و توحش لجام گسیخته جمهوری اسلامی سرمایه و علی الرغم فقر و محنتی که طی حدود چهل سال بر او تحمیل شده است، با مبارزات و دادن قربانی در دل این سیاهی و تباهی نور امید برافروخت و افق جدیدی را برای ایجاد جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی ترسیم نمود. پیشروی این مبارزات و تحقق آرمان سوسیالیسم در هر کجا و همچنین در ایران مستلزم وجود و رشد حزب سوسیالیستی کارگران است. برای شما کنگره پر بار و توأم با موفقیت آرزو می کنیم و امیدواریم که سیاست ها و تصمیم این کنگره به امر سازمانیابی و استحکام جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر ایران و پیشروی آن در مبارزه با نظام سرمایه داری و رهایی از نکبت جمهوری اسلامی، ممد واقع گردد.

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان

رفقا! برگزاری دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران را به شما شرکت کننده گان حاضر در کنگره و از طریق شما به تمام اعضا و هواداران حزب تان تبریک و تهنیت گفته و برایتان آرزوی کنگره بی موفق داریم.

این کنگره در موقعیت و شرایطی برگزار گردیده است که بشریت همچنان در چنبره جنگ، فقر، ارتجاع و رقابت قدرت های امپریالیستی و در کل بحرانی که نظام سرمایه داری را فرا گرفته است، قرار دارد. بر متن و زمینه این بحران راست افراطی و نیروهای فاشیستی و اسلام سیاسی در همراهی و کمک دولت های بورژوازی در منطقه و قدرت های بزرگ آینده تار و پر مخاطره بی را برای بشریت ترسیم نموده است. در خود کشورهای متروپول نیز طبقه کارگر و مردم آزادی خواه شاهد عروج جریان ها و فیکورهای فاشیستی بر زمینه بحران ساختاری و سرخوردگی افشار تهی دست و فلاکت اقتصادی یی که بر حیات شان سایه افکنده است، هستند. «ترامپیس» که خود به یک معنی بیان پایان نیولیبرالیسم و سیادت بلامنزاع آن در عرصه سیاست جهانی می باشد، حاصل موقعیت و وضعیت جدید حاکم در عرصه بین المللی است.

با وجود این وضعیت شاهد گسترش مبارزات و اعتراض های کارگری در گوشه و کنار جهان از آن میان ایران





## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

## گزارش هیئت اجرایی حزب به کنگره دهم

## گزارش زیر توسط اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب به کنگره ارائه شد.

قبل از اینکه وارد گزارش شوم یادآوری میکنم که گزارش ارگانها و کمپین های مختلف در هفته های گذشته بصورت کتبی در اختیار کلیه نمایندگان کنگره قرار گرفته و اینجا مسئولین ارگانها و کمپین ها فرصت دارند که توضیحات بیشتری درمورد عرصه فعالیت خود بدهند. با توجه به این گزارشات، گزارش هیئت اجرایی که اینجا تقدیمتان میکنم به شرح فعالیت ها نمپردازد و خیلی فشرده و نسبتا تحلیلی است.

فاصله کنگره نهم حزب تاکنون، دوره پیشروی و موفقیت چشمگیر حزب بوده است. فعالیتها و سیاستهای حزب در این دوره بر تحلیل و تشخیص درست اوضاع در ایران و منطقه و جهان، موضعگیری سریع در قبال مسائل سیاسی مهم ایران، و بویژه تمرکز و دخالت هر روزه و سریع در مبارزات جاری کارگران و اعتراضات سایر بخشهای جامعه، از طریق کار میدانی در محل، موضعگیری و منعکس کردن این مبارزات و دفاع فعال از آنها مبتنی بوده است. در این فاصله ثقل سیاسی کارگر، موقعیت چپ در جامعه و ثقل کمونیسم کارگری و حزب افزایش چشمگیری داشته است.

در این دو سال و چند ماه، جامعه ایران دوره پر تحرک، پر تحول، پر ابتکار و بسیار مهمی را پشت سر گذاشته است. تلاش این گزارش این است که حزب را در دل این تحولات بررسی کند و نقش حزب را در جامعه و جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی تعقیب کند تا تصویری ابرکتیو و واقعی ارائه داده شود. بدنبال سرکوب خیزش سال ۸۸ بخش قابل توجهی از فعالین وارد عرصه هایی از فعالیت

شدند که مستقیما سیاسی و سرنگونی طلبانه نبود. ظاهر مدنی و صنفی داشت. از دفاع از محیط زیست تا حقوق کودکان، دفاع از حقوق حیوانات تا گروههای موسیقی خیابانی و کتابخوانی، دفاع از کولبران و ایجاد انواع نهادها و فعالیت های مدنی و خبرنگاری و دفاع از حقوق زنان یا ال جی بی تی ها و دوچرخه سواری زنان و اعتراض به جاده های ناامن و گروههای ورزشی و کوهنوردی و الخ. امروز این روند به تحولی مهم انجامیده است. صدها و صدها نهاد و حرکت اجتماعی در شهرها و مراکز مختلف شکل گرفته و هزاران نفر در آنها سازمان یافته اند. این عامل مهمی در تغییر فضای جامعه بوده است. عامل برجسته دیگر جنبش کارگری است که در تمام این سالها بی وقفه ادامه داشته و در دو سال گذشته بسیار متعرض تر، گسترده تر، اجتماعی تر و رادیکال تر شده و توازن قوا را برای کل جنبش های اعتراضی و حق طلبانه مساعدتر کرده است. فشار رادیکالیسم جنبش کارگری حتی بر شوراها و اسلامی و خبرگزاری ایلنا که به اصطلاح خبرگزاری کارگری حکومت است کاملا مشهود است. به موازات این تحول زنان که در صف اول خیزش ۸۸ بودند در این نهادها و حرکت ها نقش فعال و برجسته ای ایفا میکنند و به بسیاری از اعتراضات کارگری و توده ای چهره زنانه تری داده اند. فعالین جنبش ۸۸ بار دیگر و اینبار آگاهتر، چپ تر و سازمانیافته تر جلو آمده اند و اینبار کارگران نقشی به مراتب مهمتر در فضای سیاسی اعتراضی جامعه دارند. در این دوره جامعه بیشتر به خود شکل داده است. کارزارها و جنبش های اجتماعی و شخصیت

های آنها از طریق مدیای اجتماعی و شکل دادن به انواع نهادها متشکل تر جلو آمده اند که اکثرا موضعی چپ و آزادیخواهانه دارند. حرکات قومی بیشتر رنگ باخته است. در اعتراضات و جنبش های اعتراضی دفاع از ارزش های پیشرو و انسانی دست بالا پیدا کرده و مطالبات، مضمون آشکار ضد سرمایه داری دارد. احساس همبستگی میان بخش های مختلف مردم رشد چشمگیری کرده است. همبستگی با دستفروشان و کارتن خواب ها و کودکان کار تا نزدیکی میان معلمان و کارگران و همبستگی با خانواده زندانیان سیاسی و جانبختگان و همبستگی وسیع و سراسری با آتش نشانان نمونه هایی از این فضای زنده مبارزاتی را نشان میدهد. شعار به اختلاس کم بشه مشکل ما حل بشه به شعار سراسری و تعرض مستقیم علیه حکومت تبدیل شده است. افشای مقامات و حقوق های نجومی آنها و خواست استعفای آنها در اکثر اعتراضات دیده میشود. تجمعات سراسری و مشترک در میان بخش هایی از کارگران صنعتی، معلمان و بازنشستگان منظم در حال رشد است و خواست ها سیاسی تر، تعرضی تر و چپ تر شده است. تعیین رقم چند میلیونی برای دستمزد توسط تشکل های کارگری و توده های بازنشستگان و معلمان که توقعات بالای جامعه را به نمایش میگذارد نمونه ای از این خواستها است. حضور خانواده های کارگری در اعتراضات به یک سنت تبدیل شده و پیوند کارگران با جامعه تحکیم شده است. مدیای اجتماعی بعنوان ابزار گفتمان و اعتراض و سازماندهی وسیعا به کار گرفته شده است. بیانیه

مشترک عبدی عظیم زاده یک حرکت مهم در این دوره بود که اتحاد کارگر معلم را تقویت کرد و خواست لغو اتهامات امنیتی به فعالین اعتراضات را در بعدی اجتماعی جا انداخت و بیانیه فراگیر ۱۶ آذر امسال دانشجویان نیز نمونه ای از یک سوسیالیسم اجتماعی و زمینی و عمیق در این دوره بود. جنبش رهایی زن نیز بسیار تعرضی تر شده، بسیار جلوتر آمده و دهها چهره رادیکال جای چهره های ملی اسلامی را گرفته اند. در یک کلام در دو سال گذشته مردم قوی در اعتراضاتشان قوی تر شده اند و جمهوری اسلامی ضعیف تر. مردم اتحاد، روشن بینی و اعتماد بنفس بیشتری پیدا کرده اند و حکومت بحرانی تر، متشتت تر و بی آبروتر شده و اعتماد بنفس گذشته در سرکوب مبارزات مردم را ندارد.

تاثیر و رد پای حزب را در این همبستگی ها، در چهره جدید جنبش کارگری، در تقویت گفتمان و شعارها و مطالبات رادیکال در جنبش رهایی زن و حضور فعال زنان در اعتراضات از جمله در اعتراضات کارگران و بازنشستگان، در عرصه زندانیان سیاسی، در زمینه حقوق کودکان، در جنبش دستمزد، در شعارها و خواست ها، در جنبش وسیع ضد مذهبی و در اشکال نوین مبارزه در ایران و در مدیای اجتماعی و گروههای مختلف تلگرامی و فضای چپی و آزادیخواهانه ای که در این جنبش ها جلو آمده است، میتوان بطور آشکار مشاهده کرد. نشریات و اطلاعاتیه ها و بیانیه ها و تبلیغات کتبی و شفاهی حزب تبلیغات و ادبیاتی صرفا کلی و یا شعارهایی صرفا درست نیست، بلکه حضور حزب را هم در اکثر این عرصه ها نشان میدهد. قطعنامه هایی که به کنگره ارائه شده نیز هیچکدام

مباحث و پلاتفرم هایی کلی و مجرد نیستند. اگر در این قطعنامه ها ادعا میشود که فضای چپ در جنبش های اعتراضی رشد کرده و وظایفی در دستور حزب قرار میدهد، اگر از حضور خانواده های کارگری در اعتراضات و تبدیل شدن آن به یک سنت مدرن و اجتماعی و مهم در جنبش کارگری و یا رشد مجامع عمومی کارگری صحبت میکند و یا ادعا میکند که جنبش کارگری در آستانه شکل دادن به تشکل های سراسری است و وظایف تازه ای مقابل حزب میگذارد، هر خواننده ای متوجه میشود که حزب در دل این اعتراضات و در بسیاری لحظات آن حضور داشته و در افت و خیزهای آنها شریک بوده است. ۱۳ سال تبلیغات زنده و کمونیستی ۲۴ ساعته توسط کانال جدید که با همراهی هزاران هزار نفر از کارگران و مردم شریف همراه بوده است، یک ابزار ذیقیمت و یک فورس کمونیسم در ایران بوده و گرایش چپ در جامعه را در ابعادی وسیع و توده ای تقویت کرده است. امروز یک قطب چپ نسبتا قدرتمند در خط مقدم جنبش های اعتراضی و در صحنه سیاسی ایران حضور دارد که جنبش کارگری و فعالین آن و فعالین جنبش های مختلف اجتماعی که در زمینه های مختلف به کار میدانی و سازماندهی مشغولند، بخش مهمی از این قطب را تشکیل میدهند. فراخوان این کنگره قبل از هرچیز خطاب به این نیروی وسیع است که اگر میخواهند تلاش هایشان همین امروز نتایج چشمگیرتری داشته باشد و تحولات سیاسی امروز تضمین کند که در آینده، جامعه مطلوبشان، جامعه ای مرفه، آزاد و انسانی باشد، باید آلترناتیو سیاسی خود، و حزبی که نماینده

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

### گزارش هیئت اجرایی حزب ...

از صفحه ۱۱

آرمانهای عمیق و انسانی مردم باشد را انتخاب کنند و آنرا تقویت کنند. در فضای قطبی امروز جامعه، این قطب چپ باید از هر نظر منسجم و متشکل شود و بویژه در عرصه حزبی تقویت شود.

دو سال و نیم قبل کنگره نهم حزب بر تغییرات مهمی که در شرایط مبارزه طبقاتی در ایران و جهان صورت گرفته انگشت گذاشت و بر متحول ساختن همه جانبه پراتیک حزب از طریق دخالتگری و تنیده شدن حزب در مبارزات و رادیکالیزه کردن و تقویت آنها، رابطه فعال با چپ اجتماعی بویژه با نسل جوان و استفاده موثر از مدیای اجتماعی تاکید کرد و حزب در این جهت حرکت کرد و تلاش کرد تغییرات لازم را برای پاسخگویی به شرایط جدید مبارزه طبقاتی ایجاد کند.

امنیتی نه میتوان اسمی از فعالین داخل کشور حزب برد و نه حتی بطور مشخص از حضور حزب در بسیاری از مبارزات چیزی گفت اما امروز برای نشان دادن موقعیت حزب میتوان رد پای حزب را بر متن جامعه قدم به قدم تعقیب کرد و تاثیراتش را مشاهده کرد. اگر نمیتوان از فعالین داخل کشور حزب اسم برد، اگر فعالین داخل امکان حضور در کنگره حزبشان را ندارند، اما با توجه به نقش ارزنده و مهم آنها در بسیاری از عرصه های مبارزاتی، اجازه بدهید از طرف همه شما حاضرین در این کنگره از آنها و تلاش های بزرگ و شجاعانه شان برای پیشروی جنبش آزادیخواهانه مردم و برای تقویت کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری صمیمانه قدردانی کنیم.

در زمینه مدیای اجتماعی علیرغم پیشرفتی که در این دوره داشته ایم هنوز کار خیلی بیشتری در مقابل خود داریم. تنها ۹۰ هزار نفر عضو در گروههای سازمان یافته فیس بوی و حدود ۱۲ هزار نفر در گروههای تلگرام که توسط فعالین حزب سازمان داده شده داریم (این شامل صفحات شخصی اعضای حزب نیست) و ۵۰۰۰ در اینستاگرام. این ارقام نسبت به امکانات و نسبت به نیاز ما بسیار ناچیز است. حضور ما در مدیای اجتماعی و مشخصا تلگرام که ابزار مهم گفتنمان سازی و سازماندهی در ایران است لااقل باید ده برابر شود. اینجا لازم است دو سه نکته را هم درمورد کانال جدید بعنوان مهمترین ابزار تبلیغی حزب اضافه کنم. بیشترین بینندگان کانال جدید را همچنان کارگران تشکیل میدهند. در این دوره برنامه های لایو کانال جدید بدلیل مشکلات مربوط به تماس ها جایگاه سابق را از دست داده است که باید بعنوان موضوعی

مهم فکری به حال آن کرد. دوم حضور نسل جدید و افزایش چهره های جوان در برنامه های کانال جدید يك نقطه قوت تازه محسوب میشود. بعلاوه سرعت عکس العمل کانال جدید و رهبری حزب نسبت به اتفاقات سیاسی و مبارزاتی بطور محسوسی بیشتر شده است. این روند باید باز هم سریعتر تقویت شود. اتفاقات با شتاب بیشتری دارد صورت میگیرد و کانال جدید باید با سازماندهی مناسب تری به استقبال این شرایط برود. در خارج کشور تشکیلات خارج و نقش تعدادی از کادرهای حزب با حجم زیادی فعالیت متنوع، نقش مهمی در حفظ و تقویت فضای رادیکال در خارج داشته، و فعالیت های موثری سازمان داده است. علیه اسلام سیاسی، علیه جمهوری اسلامی، در دفاع از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، در دفاع از حقوق پناهندگان، کودکان، زنان و غیره. بخش اعظم فعالیت های کمپینی ما از طریق حضور فعالین حزب در نهادهای غیر حزبی صورت میگیرد. اکثر این نهادها در سطح کشوری و بعضا بین المللی و یا در میان ایرانیان شناخته شده و معتبر و مورد اعتماد هستند و بعضا در ایران نیز شناخته شده هستند. این يك نقطه قوت مهم حزب کمونیست کارگری است که دست ما را برای فعالیت بازتر کرده و امکان دخیل کردن طیف وسیعی از مردم را ایجاد کرده است. در این دوره کمپین ها و فعالیت نهادها از جمله سمینارهایی که سازمان داده اند بیشتر از گذشته، با فعالیت هایی که در داخل کشور جریان دارد و با فعالین اجتماعی در داخل کشور و بطور مشخص در زمینه دفاع از زندانیان سیاسی، کارگران زندانی و جنبش دادخواهی و علیه اعدام همراه و در ارتباط بوده اند. در خارج کشور باید همچنین به آموزش سیستماتیک اعضای تازه حزب که يك کار نو و عرصه بسیار

موفق ما بود اشاره کنیم. عرصه ای که باید بصورت اجتماعی تر و علنی تر ادامه یابد تا طیف بیشتری در اینکار شریک شوند. با وجود همه این فعالیتها در خارج کشور نیز باید اذعان کرد که با وجود صدها کادر و عضو حزب و پتانسیل زیادی که داریم، اما بدلیل سنگینی بار سنت های ناکارآ و غیر اجتماعی و فقدان آرایش مناسب برای این دوره و همینطور فقدان يك رهبری قیام و حرفه ای ظرفیت این نیرو به کار نیفتاده است. هر جا دست به کار تازه ای زده ایم جواب گرفته ایم. علاقمندان زیادی هستند که در فعالیت نهادهای نزدیک به حزب و یا خود حزب دخیل شوند اما هنوز به نیروی اجتماعی مان نگاه محدودی داریم و دستمان را به طرف جامعه دراز نکرده ایم.

نمونه های بسیار مناسبی هم هست که باید به نوع فعالیت همه واحدا تبدیل شود. میتوان به فعالیت مینا احدی علیه اسلام سیاسی اشاره کرد که موجب همراه شدن طیفی از زنان ضد مذهب و ضد راسیسم از کشورهای خاور میانه و کشورهای عربی در این مبارزه شده است و یا سازماندهی هشت مارس سال قبل با حضور تعدادی از هنرمندان ایرانی و غیره که نمونه هایی از فعالیت اجتماعی و موثر است. نوع کار مینا احدی يك فعالیت اجتماعی و سطح بالا است. هر ماه به تعداد زیادی سخنرانی و مصاحبه در رسانه های رسمی کشورهای غربی دعوت میشود و به شیوه موثری مبارزه علیه اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی، چپ به اصطلاح ضد امپریالیست و نسبیت فرهنگی و جریانات راسیستی و مماشات دولت آلمان با جمهوری اسلامی را به پیش میبرد. بدلیل حضور بموقع و سریع در زمینه مبارزه با اسلام سیاسی موقعیت مینا در آلمان بعنوان طرف حساب اسلام سیاسی تثبیت شده است. اگر تا

چند سال قبل مدافعان خاتمی طرف حساب رسانه های آلمان بودند الان مینا این نقش را دارد. فعالیت های مینا در عین حال به معرفی و شناخته شدن بیشتر کمونیسم کارگری در آلمان و تفاوتش با کمونیسم های سنتی منجر شده است. در زمینه کار اجتماعی موثر همچنین باید به فعالیت های عبدالله اسدی اشاره کرد که باعث شده در شهر گوتنبرگ از اتوریته و موقعیت و محبوبیت ویژه ای برخوردار شود، عضوگیری خوبی صورت گیرد و واحد حزب تحرك قابل توجهی پیدا کند. همینطور باید به فعالیت شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالیت این کمیته بطور کلی اشاره کرد که اعتبار ویژه ای به این کمیته داده است. این نمونه ها نشان میدهد که چگونه دست بردن به شیوه های اجتماعی فعالیت امکان پیشروی و جذب نیرو میدهد. همینطور باید به فعالیت های متنوع و دائم واحد حزب و سازمان جوانان در استکهلم، و همینطور فعالیت حزب در تورنتو و فرانکفورت و برخی شهرهای دیگر اشاره کرد که نمونه های قابل توجهی از فعالیت سیاسی ارائه میدهند.

علیرغم اینکه مدتها است تمرکز فعالیت حزب و رهبری حزب بیشتر به داخل منتقل شده است اما در خارج هم امکان کارهای زیادی هست و باید با رفع ضعفهای موجود نقش پرسروصدا تر و موثری تری داشته باشیم. بویژه مقابله با جمهوری اسلامی در خارج باید جدی تر و فعالتر انجام شود. در عین حال تعداد قابل توجهی از اعضا و فعالین حزب در خارج کشور در ارگان هایی که رو به داخل ایران فعالیت میکنند مانند تلویزیون و گروههای تلگرام و غیره سازمان یافته اند اما دخالت در جنبشهای اعتراضی یکی از دروازه های رشد کمونیسم و حزب در ایران

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

### گزارش هیئت اجرایی حزب ...

از صفحه ۱۲

است و لازم است نیروی بسیار بیشتری به این فعالیت‌ها اختصاص داده شود. این یک مولفه فعالیت حزب در خارج است و به درجه ای که فعالین حزب در خارج کشور نبض شان با فعالیت‌های داخل کشور بزند و درگیر آن فعالیت‌ها باشند آکسیون‌های خارج هم تقویت میشود. تشکیلات خارج باید بیشتر و سازمانیافته تر فعالیت‌هایش را با داخل هماهنگ کند. در زمینه مالی تامین ماهی بین ۲۰ تا ۲۵۰۰۰ یورو هزینه برای حزبی که هیچ دولتی به آن کمک نمیکند بسیار سنگین است. اما با حمایت فعالین و دوستان حزب از کمپین‌های مالی و فاندزینگ تامین شده است. همینجا اجازه بدهید از طرف کنگره حزب از رفقایی که در زمینه فاندزینگ نقش برجسته ای ایفا کرده اند و هم کلیه رفقایی که با کمک مالی پی در پی خود به تامین مالی حزب کمک کرده اند عمیقاً قدردانی کنم.

در ابتدای گزارش به موضوعگیری‌ها و تحلیل‌های حزب بعنوان یکی از نقاط قوت حزب اشاره کردم. اینجا این نکته را اضافه میکنم که یک عرصه تعطیل ناپذیر فعالیت حزب از یکطرف متوجه ملی اسلاميون و از طرف دیگر متوجه دار و دسته های قومپرست در نقاط مختلف کشور و ناسیونالیست‌های ایرانی است که در سطح بین المللی هم همیشه مدافع راست ترین و ارتجاعی ترین جناح‌های حکومت‌های غربی هستند. نشریات حزب ظرف اصلی حزب برای مباحث سیاسی تحلیلی از جمله در نقد و افشای این جریان‌هاست. حزب، کمیته‌ها و فعالین و رسانه‌های حزب بی وقفه آنها را افشا میکنند و تلاش میکنند زهر ناسیونالیستی و ضد مردمی آنها را خنثی کنند. اینها صرفنظر از دامنه نفوذ کم یا زیادشان مانند ویروسی خطرناک عمل میکنند و حزب وظیفه خود میدانند که فعالین و مردم هرچه بیشتری را با خطراتی که جریان‌ها در مقابل مردم ایجاد میکنند آشنا کند و

نیروی بیشتری در جدال علیه اینها به میدان بیاورد. و بالاخره اکنون اعتصابات و اعتراضات کارگری و اعتراضات عمومی شتاب بیشتری گرفته و حکومت در سرکوب این اعتراضات ناتوان تر از همیشه است. مردم در راهپیمایی‌ها و تجمعات مقابل مراکز دولتی رسماً حکومتیان را دزد مینامند و علیه حقوق‌های نجومی شان شعار میدهند، قطب چپ اجتماعی بزرگی در جامعه شکل گرفته است و تشکل‌هایی که یک معضل تاریخی جامعه ایران بوده و هیچگاه به یک سنت پایدار تبدیل نشده بود، امروز دارد به یک سنت تبدیل میشود. اینها تحولاتی تاریخی اند که حزب در زمینه سازی برای آنها نقش روشنی بازی کرده است. کنگره دهم حزب در شرایطی اینچنین برگزار شده و امیدوارم با مباحث و مصوباتش حزب را برای برداشتن گام‌های بزرگ دیگری در تقویت و تعمیق و متشکل کردن کارگران و توده‌های مردم آماده تر سازد و خود نیز قوی تر از پیش در صحنه سیاسی ایران و در خط مقدم مبارزات مردم علیه سرمایه داری و حکومت

اسلامی آن، عرض اندام کند. دیر یا زود، انقلابی صورت میگیرد و بساط حکومت را برمیچیند اما روندی که امروز در جامعه جریان دارد یک روند بسیار زیر و رو کننده و مهم و شورانگیز است که دارد آینده جامعه را میسازد. حزب باید با تمام قوا این روند را تقویت کند. در شرایط کنونی این مهمترین دروازه بسط نفوذ حزب در جامعه و رسیدن به موقعیتی است که امکان رهبری جنبش سرنگونی را داشته باشد. اجازه بدهید در اینجا از طرف کنگره دهم حزب به کلیه رهبران و فعالین کارگری، از فعالین معلمان و بازنشستگان تا فعالین جنبش دانشجویی، از زنانی که بی وقفه در مقابل قوانین ضد زن و ارگانهای سرکوبگر حکومت فهرمانانه ایستادگی کرده اند، تا کارگران زندانی و زندانیان سیاسی که در زندانهای جمهوری اسلامی نیز شجاعانه به مبارزه خود ادامه میدهند، از خانواده‌های زندانیان سیاسی و جانب‌اختگان که جنبش دادخواهی را شکل داده اند و هزاران فعالی که در عرصه‌های مختلف دفاع از حقوق کارگران، زنان، کودکان، محیط زیست، ال

جی بی تی‌ها و یا از آزادی موسیقی و آواز خوانی زنان، از آزادی بیان و یا علیه تحجر و قوانین مذهبی و دهها عرصه دیگر جاتانه مبارزه میکنند و از هزاران انسان معترض و آزادیخواهی که با حضور در مدیای اجتماعی انحصار رسانه‌های ارتجاعی را در هم شکسته اند، درود بفرستیم و بر نقش پر اهمیت تک‌تک این فعالین در همه زمینه‌های مبارزه که علیرغم هزینه سنگین زندان و انواع محرومیت‌های اجتماعی، فضای شورانگیزی در جامعه شکل داده اند تاکید کنیم و برایشان صمیمانه آرزوی موفقیت کنیم. اینها یک رکن مهم و حیاتی جنبش آزادیخواهانه مردم برای خلاصی از نظام نکبت بار اسلامی هستند و جای محکمی در قلب مردم دارند. و بالاخره لازم است از تک تک اعضا و کادرهای حزب و از نسل جوان حزب تا دوستان حزب که با فعالیت‌های خود، حزب را در این موقعیت تازه قرار داده اند از طرف کنگره حزب صمیمانه قدردانی کنیم.

### پیام حزب حکمتیست ...

از صفحه ۹

شدیدتر میفشارند. نظام اسلامی حاکم در برابر این بحرانهای لاعلاج و متراکم شونده بی‌پاسخ است. مهره‌های اصلی آن نظام، جانین بالای آن ماشین خفقان و اعدام، با هدف ترساندن و ارباب جامعه، روزانه به این گوشه و آن گوشه این بحراناها اشاره میکنند و حتی درباره فروپاشی نظام اسلامی شان هشدار میدهند. این دو فاکتور مهم واقعیات جامعه ایران، هم مبارزات گسترده کارگران و محرومان و هم موقعیت مستاصل نظام اسلامی هم اکنون جامعه ایران را در آستانه تحولات سرنوشت ساز قرار داده است. چشم انداز امیدبخش‌های جامعه از کابوس توحش اسلامی حاکم و بربریت سرمایه داری برای پیشروان جامعه قابل مشاهده

است. در جامعه ایران، کمونیسم یک جنبش سیاسی و اجتماعی بانفوذ است. آلترناتیو کمونیستی در قبال قدرت سیاسی در روند تحولات آتی از امکان بالای پیروزی برخوردار است. در شرایطی که جریان‌هاست اپوزیسیون یک بار دیگر به حمایت دولت جدید آمریکا زیر ریاست ترامپ و به تحرك در شکاف رقابت و کشمکش دولتهای مرتجع منطقه چشم دوخته اند و به آن امید بسته اند، تقویت آلترناتیو کمونیستی برای به پیروزی رسیدن مبارزات طبقه کارگر از نان شب ضروری تر است. از دیدگاه حزب حکمتیست، هر نیرویی که کمونیسم را راه‌هایی بشریت از سلطه بربریت سرمایه میداند و برافراشتن پرچم کمونیسم در شرایط پیچیده و سردرگم دنیای امروز را افتخارآمیز اعلام میکنند،

باید بر کوشش بی‌اما و اگر و پیگیر برای تحقق آن تلاش کند. تحقق این هدف و پافشاری محکم بر آلترناتیو کمونیستی و کارگری بیش از هر زمان مورد نیاز جامعه است و تماماً امکانپذیر است. پیام ما در این کنگره تاکید اساسی بر مبرمیت تلاش آگاهانه و سازمانیافته و گسترده در راستای سازماندهی انقلاب کارگری و تحقق بخشیدن به آلترناتیو سوسیالیستی برای جامعه و مبارزه همه جانبه در مسیر به زیر کشیدن حاکمیت سرمایه در ایران و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. ما امیدواریم کنگره شما هم در این مسیر گام‌های جلی بردارد. برای کنگره شما آرزوی موفقیت میکنیم. از طرف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست یازده مارس ۲۰۱۷

### قطعه‌نامه در مورد رشد گرایش چپ ...

از صفحه ۷

تاریخی است که رشد آگاهی اجتماعی را بازتاب میدهد و در پروسه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحولات آتی جامعه ایران تاثیرات مثبت عظیمی خواهد داشت. تضمین اینکه جامعه آینده ایران جامعه ای آزاد و شاد و بری از تبعیض و ستمگری باشد به ادامه جلی و همه جانبه همین روند یعنی به نقش تعیین کننده طبقه کارگر و گفتمان سوسیالیستی بستگی دارد. حزب کمونیست کارگری خود را نماینده این تحول میداند. حزب برای تعمیق و گسترش این روند بطور نقشه مند و فعال تلاش خواهد کرد. کل این تحولات گویای پیشروی و به چپ چرخیدن اعتراضات اجتماعی به موازات رشد چشمگیر جنبش کارگری است. این تحولی مهم و

میکند مقدسات و سیاستهای ناسیونالیستی شان را با ماسک "حقوق بشری" آرایش کنند و در مقابل آنها برخی ناسیونالیست‌ها از اینکه مقدسات ملی شان از جانب خودبهایشان کمزنگ شده به خشم آمده اند. ملی اسلامی‌ها نیز به دار و دسته‌های متعدد و متشتت و درگیر در اصطکاک با یکدیگر تبدیل شده اند. در میان همه این جریان‌ها طیفهایی نیز به ناسیونالیسم افراطی و شونییزم عربیان چرخیده اند و طیفهایی دچار نوسان و تزلزل و بی‌افقی شده اند. کل این تحولات گویای پیشروی و به چپ چرخیدن اعتراضات اجتماعی به موازات رشد چشمگیر جنبش کارگری است. این تحولی مهم و

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

## در مقابل راسیسم و فاشیسم باید با پرچم سوسیالیسم بمیدان آمد!

## پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری به مردم آزاده دنیا

عروج چهره ها و احزاب راست افراطی در غرب با زتاب و حاصل بی افقی و گنبدگی سرمایه داری جهانی است. بحرانی که با فروپاشی وال استریت در زمستان ۲۰۰۸ اوج گرفت امروز به یک بحران تمام عیار سیاسی و حکومتی در کشورهای غربی انکشاف یافته است. بحرانی که ناراضی وسیع مردم از سیستم و نظم موجود، اعتراض به شکاف آشکار بین کوه ثروت نجومی یک درصدیها و فقر توده مردم، و مقبولیت پیدا کردن گفتمان سوسیالیسم در جامعه را دنبال داشته است.

در سطح سیاسی این بحران به شکل "شگفتی" و "تحولات غیر قابل انتظار" حتی در فرانسویها و انتخاباتها خود را نشان میدهد. احزاب سنتی حکومتی موقعیت و اعتبار گذشته خود را از دست میدهند، توده مردم از آنان رویگردان

میشوند و احزاب افراطی به جلو رانده میشوند. از یکسو چهره هائی با ادعای آشکار سوسیالیسم - که بر متن شرایط سیاسی در غرب بویژه در آمریکا "چپ افراطی" محسوب میشوند- نفوذ و محبوبیت پیدا کرده اند و از سوی دیگر احزاب راسیستی سر بلند میکنند و بقدرت رانده میشوند. اما قدرتی را که نشانده قدرت و تحکیم طبقه سرمایه دار نیست، برعکس نشانه ضعف و بی آلترناتیوی کامل اوست. تحولاتی نظیر برگسیت در بریتانیا و انتخاب ترامپ در آمریکا قبل از هر چیز سردرگمی و استیصال طبقه حاکمه در این کشورها را بیان میکند. میتوان گفت این یک نوع "دوران گذار" برای حکومتهای غربی است. راست ترین، مسخره ترین و پوشالی ترین دماگوکها و شیادان سیاسی نظیر ترامپ بجلو رانده میشوند تا برای

طبقه حاکمه وقت بخزند. بحران اقتصادی و مصائب آن به گردن "خارجیها" انداخته میشود تا علت اصلی یعنی نفس نظامی که بر سودپرستی مبتنی است هدف اعتراضات توده ای قرار نگیرد و جریانهای اصلی طبقه حاکمه مفری برای خروج از بحران حاضر پیدا کنند. تا احزاب "میان و متعارف" فرصتی داشته باشند برای مرمت و سرهم کردن و احیای دگرترین دیدگاههای فویشیده و به بن بست رسیده سیاسی و اقتصادی و حتی فلسفی شان!

اما کاپیتالیسم نه از اسب بلکه از اصل افتاده است. بحران یک درصدیها در بی افقی و بن بست لاعلاج سرمایه داری جهانی ریشه دارد و از همین رو تحولات "شگفت و غیر منتظره" ای نظیر برگسیت و انتخاب ترامپ بحران سیاسی و اقتصادی موجود را حتی برای طبقه حاکمه وخیم تر و شدید تر

خواهد کرد. احزاب و نیروهای سنتی و "میانرو" طبقه حاکمه امیدوارند بعد از یک دوران گذار توحش راسیستی جامعه دوباره به آنها روی بیاورد. امیدوارند مردم در هراس از "مرگ" به "تب" راضی بشوند. اما چنین نخواهد شد. نه راست و نه چپ بورژوازی هیچ راه حل واقعی و عملی ای برای حل و یا حتی تخفیف بحران اقتصادی و اجتماعی موجود ندارد.

دنیا در آستانه یک دوره تشدید تلاطمات اجتماعی و سیاسی و شکل گرفتن جنبش های اعتراضی وسیع قرار گرفته است. مردم دنیا به ریاضت کشی اقتصادی بعلاوه راسیسم و زن ستیزی و خارجی ستیزی تن نخواهند داد. هم اکنون جنبش وسیعی در آمریکا و در دیگر کشورهای جهان در مقابله با ترامپ و سیاستهای فوق ارتجاعی ای که نمایندگی میکند شکل گرفته است و این هنوز از نتایج

سحراست. این جنبش میتواند و باید هر روز وسیع تر و گسترده تر و رادیکالتر شود و بیش از پیش کل سیستم و نظام سرمایه داری را بزیر سوال ببرد.

ما به مردمی که در برابر توحشی که ترامپ نمایندگی میکنند به دفاع از تمدن و انسانیت و آزادیگی برخاسته اند درود می فرستیم و اعلام میکنیم در مقابل حکومت یک درصدیها و نظام سیاسی و اقتصادی که برای برون رفت از بحران خود به فاشیستهای نظیر ترامپ نیازمند است تنها یک راه حل وجود دارد: سوسیالیسم، و انسانیت و برابری طلبی و آزادیخواهی سوسیالیستی!

زنده باد مبارزات مردم علیه راسیسم و فاشیسم!

زنده باد سوسیالیسم!

## پیام حزب سکولار دمکرات ایرانیان به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

هموطنان گرامی، اعضاء محترم حزب کمونیست کارگری ایران با تشکر از دعوت اینجانب و دو تنی دیگر از اعضاء شورای مرکزی حزب سکولار دمکرات ایرانیان، و اظهار تأسف از اینکه نتوانسته ام خود در جمع شما باشم، این پیام مختصر را از طریق دوست ارجمندم، آقای منوچهر یزدیان، معاون دبیرکل حزب مان تقدیم می دارم.

نخست باید اظهار خوشحالی کنم که بین سکولار دمکراتها و رهبران حزب کمونیست کارگری ایران چنان تفاهمی برقرار است که نماینده حزب شما و نماینده حزب ما در زیر چتر کنگره سالانه سکولار دمکراتهای ایران، که نهادی مستقل از احزاب ما محسوب می شود، گرد هم می آیند و به ریزنی و تبادل نظر می پردازند. این اتفاق، که در میان اپوزیسیون برانداز حکومت اسلامی چندان رایج نیست، نشان از آن دارد که احزاب ما، با برنامه

هائی گاه مشابه و گاه مختلف در راستای اداره کشورمان در آینده، در ایرانی بودن و موظف بودن به براندازی حکومت اسلامی مسلط بر کشورمان، دارای افق مشترکی هستند و آماده اند که در یک فضای دمکرات آینده بجای تلاش برای حذف یکدیگر، در مبارزات انتخاباتی شرکت کرده و از طریق ارائه و دفاع از برنامه های خود بکوشند تا به قوای سه گانه کشور راه پیدا کرده و دوشادوش هموطنان دیگر خود به تأمین آینده آزاد و آباد کشور و ملت ایران بپردازند.

حزب ما که بر اساس باورمندی به پدیده حقوقی «یک کشور - یک ملت - یک حکومت» بوجود آمده، نخستین تعهد خود را نسبت به برقراری حاکمیت ملت و حفظ منافع ملت مان می شناسد و حتی معتقد است که معنای اندیشیه «انترناسیونالیسم» هنگامی آشکار می شود که وجود

«ناسیونالیسم» موجود در درون این ترکیب را برسمیت بشناسیم و سپس به روابط فی مابین «ناسیون»ها بپردازیم. تصور بین الملل مستلزم تصور ملل است؛ اما مللی که تن به امت شدن نمی دهند و می خواهند با حفظ استقلال خود وارد شبکه ای از روابط هسته با ملل دیگر جهان شوند. پس ما با انترناسیونالیسم مشکلی نداریم اما با کاسمپولتینیسم (یا جهان وطنی) خط کشی می کنیم. به گمان ما، سیستم حقوقی جهان امروز بر اساس تصور «کشور - ملت»ها کار می کند و تا این سیستم باقی است حزب ما نیز خود را نخست در برابر ملت ایران و سپس در برابر کل بشریت (که در شکل ملل دیگر زندگی می کنند) متعهد می داند.

از نظر ما کمونیسم نگاهی پویا و آینده نگر به جهان بشری دارد و از این بابت نیز همچون سکولار دموکراسی از ارتجاع و

چسبیدن به اشکال پوسیده و افکار مالخیولیائی گریزان است. یعنی، احزاب ما به آینده می اندیشند و سرمشق های خود را نخست از ساختار طبیعی روان انسان و سپس واقعیت های پوینده تحولات تاریخی اخذ می کنند.

نقطه اشتراك دیگر ما، که البته در تفاسیری گاه دوگانه بیان می شوند، به تبعیض ستیزی ما بر می گردد. ما خواستار جامعه ای هستیم که در آن تبعیض بحداقل برسد و عدالت اجتماعی و اولویت دادن امر جامعه بر امر فردی همواره در دستور کار باشد.

و بالاخره بر پایه این اشتراکات است که ما در دشمنی با حکومت اسلامی مسلط بر کشورمان نیز یکدیگر را در یک جبهه می یابیم. چرا که حکومت اسلامی مادر و زاینده ارتجاع و پوسیدگی و زندگی غیر طبیعی و اردوگاه اصلی تبعیض آفرینی است و، در نتیجه؛ همه صفات

مخالف با اشتراکات ما را در خود دارد و لاجرم ما ناگزیریم که در همکاری با هم این حکومت را براندازیم.

دوستان گرامی

از جانب حزب سکولار دموکرات ایرانیان و نیز از جانب شخص خود، که همواره در آرزوی ایجاد یک آلترناتیو دموکراتیک و سکولار بوده ام، برگزاری دهمین کنگره حزب شما را خجسته باد می گویم و امیدوارم که تصمیمات گرفته شونده در این کنگره همچنان در راستای دفع شر از حکومت اسلامی مسلط بر کشورمان و آفرینش جامعه ای آزاد و رو به آبادی بخود شکل بگیرند و راهگشای همکاری با نیروهای برانداز اپوزیسیون در راستای ایجاد یک آلترناتیو غیر دینی و دموکراتیک باشند.

با درودهای گرم هموطنانه،

اسماعیل نوری علا

رئیس شورای مرکزی حزب

سکولار دموکرات ایرانیان

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

## پیام محمد هکیش از مراکش به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

رفقای عزیز  
بخاطر دعوت از من متشکرم. متشکرم که شرایطی مهیا کردید که من بتوانم در یک چنین جلسه مهمی حضور داشته باشم.  
اجازه بدهید که خوشحالی ام را از اینکه در کنار زنان و مردانی که علیه امپریالیسم و سرمایه داری مبارزه میکنند، کسانیکه برای ساختن یک دنیای بهتر، برای عدالت اجتماعی، برای تقسیم ثروت ها، برای شان و منزلت مردم، و برای برابری زن و مرد مبارزه میکنند، ابراز دارم.  
خوشحالم از اینکه در کنگره شما هستم. شرکت در اینجا فرصت ارزشمندی است برای دیدار از ایران کمونیست کارگری ایران که به مشکلات و آرمانهای مردم در ایران

پی ببرم. قطعاً مشکلات مردم ایران همان مشکلات و آرمانهای مردم مراکش و مردمان دیگری است که آرزوی رهایی از هژمونی سرمایه داری را دارند.  
من محمد هکیش از مراکش هستم. من عضو اتحادیه و فعال سیاسی - عضو کمیسیون مقدماتی ایجاد بخش از طریق سازمان جهانی کشاورزان کوچک در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، عضو کمیته اجرایی اتحادیه بین المللی کشاورزی وابسته به فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، دبیر سابق کل اتحادیه اصلی مراکش کشاورزی، جنگل، ماهیگیری و صنایع غذایی دریایی و عضو دبیرخانه ملی حزب مراکش مارکسیستی: راه دموکراتیک هستم.

رفقای عزیز،  
اجازه بدهید خلاصه ای از وضعیت سیاسی و اجتماعی مراکش به شما بدهم که میتواند کمک کند به اینکه مبارزه مشترک ما و شما را تعریف کند.  
سیستم سیاسی حاکم در مراکش سیستم استبدادی است که از مشخصات آن میشود از استبداد و فساد گفت که از حمایت احزاب سیاسی رفرمیست و اتحادیه های دولتی برخوردار است.  
دوم، ضعف و تکه تکه شدن مبارزین چپ و انقلابی و عدم وجود حزب طبقه کارگر. ولی جنبشهای اجتماعی جدید در سراسر کشور، برای مبارزه با حاشیه نشینی و تبعیض و تسخیر اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و زیست

محیطی ایجاد شده اند. مبارزات مستمر برای آب، زمین، مسکن، داشتن مواد غذایی، عدالت، آب و هوا، جوانان و زنان، هویت و فرهنگ.  
با ظهور جنبش ۲۰ فوریه سال ۲۰۱۱ به عنوان بخشی از آنچه ما می توانیم از آن بعنوان روند انقلابی به جای اصطلاح "بهار عربی" نام ببریم، ما دیدیم که در این شرایط است که می توان یک فرایند به دست آوردن و کنترل بر زمین و محصول داشت. به عنوان مثال در مراکش، کشاورزان در برابر انحصارطلبان و دفاع از زمین و آب خود مبارزه میکنند. مبارزات کارگران مزرعه بر علیه استثمار و تحقیر جنبش ریف (در شمال مراکش) که مبارزه محرومان و به حاشیه رانده شدگان

است. جنبش ۲۰ فوریه موجب امیدواری و ریختن ترس شد و آترناتیو تازه ای بدنیا آمد. و آن این است که ما باید به کمک کارگران و دهقانان فقیر برویم، تا توده کارگران بتوانند سرنوشت خودشان را در دستشان بگیرند. این مبارزه نیاز به رهبران انقلابی برای ایجاد سازماندهی و پیشروی و اطمینان از موفقیت دارد. با این حال برای رهبری لازم است که با مردم زندگی کنند و در مبارزات زنان و مردان و کارگران ادغام شوند و نیازهای آنها را شناخته و در این فرایند اساسی سازمان های مستقل توده ای (اتحادیه ها، انجمن ها، کمیته های محلی و ...) را برای مبارزه متحد و یکپارچه برای آزادی ملی و دموکراسی بسازند.

## پیام حاتم لاونینی از تونس

رفقای عزیز  
با درودهای انقلابی کمونیستی برای من افتخار بزرگی است که در کنگره حزب شما شرکت میکنم. حزبی که حزب مبارزه کارگران علیه سرمایه داری و برای سوسیالیسم است. حزبی که حزب مبارزه علیه خودکامی و دیکتاتوری حکومت ارتجاعی اسلامی است.  
من حاتم لاونینی فعال کارگری از تونس عضو قدیمی ترین و بزرگترین اتحادیه کارگری تونس UGTT و عضو حزب کمونیست در این کشور هستم.  
از طرف همه رفقایم کنگره دموکراتیک شما را تبریک میگویم و برایتان صمیمانه آرزوی موفقیت میکنم  
ما از مبارزه شما چه در داخل ایران و چه در خارج بخوبی آگاهیم و مطمئن

پیروزی شما بسیار نزدیک است. مطمئناً روزی ما کنگره را در ایران برگزار خواهیم کرد. در یک ایران آزاد و دموکراتیک.  
رفقای عزیز!  
مبارزه شما مبارزه ماست و جنگ شما جنگ ماست. زیرا ما با یک دشمن رو در رو هستیم: امپریالیسم و اساساً امپریالیسم آمریکا و اروپا و رژیمهای ارتجاعی که همه عوامل و پادوهای قدرتهای بزرگ سرمایه داری هستند. بازی سیاسی قدرتهای بزرگ اینست که از رژیمهای ارتجاعی علیه کارگران و مردم تحت ستم حمایت کنند.  
جوامع ما در موقعیت مشابهی بسر میبرند. فقر بیشتر برای اکثریت مردم، بیکاری بیشتر برای بیکاران، و قدرت و ثروت فزاینده در دست سرمایه داران و ثروتمندان.

اکنون ما در شبکه همبستگی کارگری با هم ارتباط برقرار کرده ایم و با هم کار میکنیم و امیدوارم بتوانیم همکاریهایمان را تقویت کنیم. زیرا معتقدیم که کمونیست ها و چپها باید جبهه آزادی و برابری علیه سرمایه داری و رژیمهای ارتجاعی و اسلام سیاسی را تقویت کنند  
ما دست خود را به نشانه همبستگی به سوی کنگره شما دراز میکنیم و از مبارزه شما و مبارزه کارگران و مردم ایران علیه دیکتاتوری و بی عدالتی و رژیم اسلامی حمایت میکنیم  
برای کنگره شما آرزوی موفقیت بسیار دارم  
زنده باد سوسیالیسم  
زنده باد آزادی و برابری  
زنده باد همبستگی بین کارگران و کمونیستها

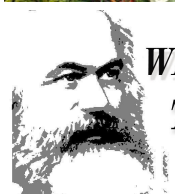
## اطلاعیه پایانی کنگره دهم حزب ...

از صفحه ۴

احدی، عبدالله اسدی، نازنین برومند، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، علی جواد، شهلا دانشفر، نسرین رمضانعلی، بهرام شروش، مصطفی صابر، حسن

انتخاب میکنند. بدنبال این نشست، دفتر سیاسی مصطفی صابر را بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب نمود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ اسفند ۱۳۹۵، ۱۵ مارس  
۲۰۱۷



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker Communist Party of Iran  
www.wpiran.org

## ویژه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران

## علیه اسلام سیاسی و راسیسم بمیدان بیائید!

اسلام سیاسی یک جنبش تروریستی، ضد انسانی و فوق ارتجاعی است که از زمان بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی عامل توحش و جنایت در جامعه ایران و در دو دهه اخیر در خاورمیانه، غرب و سراسر جهان بوده است.

حزب کمونیست کارگری ایران علیه زن ستیزی، انسان ستیزی و جنایات جنبش اسلامی و همچنین علیه مداخلات دولتهای غربی و همراهی پست مدرنیستها و مالتی کالچرایلیستها با این جنبش با تمام قدرت ایستاده و اعتراض میلیونها نفر مردم عاصی از جنبش اسلامی را نمایندگی کرده است.

ما مدام تاکید کرده ایم که ایران کشوری اسلامی نیست، کشوری است با یک حکومت سرمایه داری و فاشیست اسلامی؛ ما پیگیرانه با

جنایات جنبش اسلامی، با سنگسار و اعدام و شلاق و انسان ستیزی دولتها و نیروهای اسلامی مقابله کرده ایم. ما الیت فکری رسمی در غرب که قتل ناموسی را فرهنگ می نامد، حجاب و برقع را جزئی از پوشش زنان میدانند و مسجد را نماینده مردم مسلمان نام می نهد را فعالانه نقد و افشا کرده ایم.

ما در دنیا پرچم دفاع از مردمی را در دست داریم که روزانه در ایران و کشورهای اسلام زده مورد تهاجم و تعرض بیرحمانه جنبش اسلامی قرار دارند و علیه ارتجاع و انسان ستیزی اسلامی مبارزه میکنند و خواهان زندگی انسانی، رفاه و برابری و آزادی هستند.

ما صدای زنان معترض و میلیونها نفر مردمی هستیم که روزانه با مبارزات قهرمانانه خود به سنن و فرهنگ اسلامی و قوانین شریعه نه

میگویند. ما در کنار چهره های سرشناس منتقد مذهب در غرب کوشیده ایم نشان دهیم که در دنیای امروز جنبش اسلامی یک موضوع مهم سیاسی برای همه است و دفاع از سکولاریسم و دستاوردهای عصر روشنگری و رنسانس وظیفه همه ما است. ما در مقابل دست اندازی جنبش اسلامی به پایه های مدرنیته و همراهی کلیسا و دستگاه مذهب در اروپا با این جنبش ایستاده و این دورا نقد و افشا کردیم. نقد به همه مذاهب و تلاش برای دفاع از لاتیسیته و سکولاریسم در کنار مترقی ترین سازمانها یک دستاورد فعالیت های ما در سطح بین المللی است.

امروز با عروج نیروهای راست افراطی و راسیستی در اروپا و آمریکا اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و

دولتهای ارتجاعی نظیر جمهوری اسلامی زمینه تازه ای برای توجیه و تبلیغ سیاستها و عملکرد ضدبشری خود یافته اند. راسیسم و ارتجاع اسلامی دو جریان ارتجاعی ضد بشری هستند که یکدیگر را تغذیه و توجیه میکنند. در این میان نیروهای لیبرال و چپ ستی در غرب توجیه و بهانه تازه ای برای سکوت در برابر نیروهای اسلامی و حمایت از آنها یافته اند.

ما یک بار دیگر به همه مردم دنیا اعلام میکنیم که با دو جنبش راسیستی و اسلامی، با دولتها و نیروهای اسلامی از یکسو و با نیروهای نژاد پرست و راست افراطی از سوی دیگر باید قاطعانه مبارزه کرد. این مبارزه تنها از یک موضع رادیکال، انسانی و سوسیالیستی و با پرچم دفاع از منافع جهانشمول همه انسانها میتواند بشیرت را از این دو هیولای

ضد انسانی خلاص کند. در شرایط امروز جهان دفاع از علم و فرهنگ و هنر و تمدن پیشرو و ارزشهای جهانشمول انسانی مستلزم مقابله قاطعانه با راسیسم و جنبش اسلام سیاسی هر دو است. هر دو این جنبشهای فوق ارتجاعی در بن بست و بی افقی سرمایه داری عصر ما ریشه دارند و تنها از یک موضع ضد کاپیتالیستی و سوسیالیستی میتوان و باید به مبارزه ای پیگیر و شریخش با این جریانها برخاست.

ما به همه زنان و مردان آزاده که قهرمانانه در ایران و در کشورهای اسلام زده علیه نیروها و دولتهای اسلامی ایستاده اند درود میفرستیم و همه نیروهای چپ و سکولار در سراسر جهان را به تقویت این مبارزات فرامیخوانیم.

## تجمع گسترده و سراسری معلمان شاغل و بازنشسته سراسر کشور

تجمع گسترده و سراسری معلمان شاغل و بازنشسته سراسر کشور از ساعت ده صبح امروز ۱۹ اسفند معلمان بنا بر قراری قبلی در تهران و شهرهای مختلف در مقابل مجلس در تهران و مراکز آموزش و پرورش در شهرهای مختلف تجمع کردند و پیگیر خواستههایشان شدند.

عکس ها و گزارشات منتشر شده تاکنون از تجمع وسیع معلمان در تهران، شهرهای استان مرکزی، سنج، سقز، مریان، بانه، کامیاران، تبریز، اهواز، بوشهر، الیگودرز، دهگلان، بجنورد، تربت حیدریه، مشهد، شیراز، شیراز، اراک، تبریز، سقز، دیواندره، قزوین، اراک، چهارمحال بختیاری، فردوس، الیگودرز، شهرکرد، قروه، لرستان، شاهرود ... خبر میدهد.

شعاریهایی چون خط فقر سه میلیون و نیم، حقوق ما یک میلیون، ۱ درصد تامین، ۹۹ درصد گرسنه، گرسنه، بیمه کارآمد حق مسلم ماست، حقوق بالای خط فقر، حق هر بازنشسته و شاغل است، فقر و تبعیض بس است، ما خواهان تامین امنیت شغلی برای تمام فرهنگیان در بخش های دولتی و خصوصی هستیم،

گذاشتند. معلمان شایسته وسیعترین حمایت ما مردم هستند.

## گزارش تکمیلی

روز یکشنبه ۲۲ اسفند ۹۵ بیش از ده هزار نفر از معلمان بازنشسته و بازنشستگان کشوری و پرستاران در ادامه تجمعات هزاران نفره قبلی خود و بنا به قرار های قبلی در مقابل دفتر روحانی تجمع کردند. همزمان در دهها شهر دیگر ایران تجمعات اعتراضی مشابهی در جریان است. در تجمع روز ۲۲ اسفند بازنشستگانی از اقصی نقاط ایران از جمله تبریز و کرمانشاه، الیگودرز، قزوین، مازنران و گیلان خود را به محل تهران رسانده بودند تا همراه با همکارانشان در این اجتماع اعتراضی شرکت کنند.

حدود ساعت ۱۰ عملا شعارها آغاز شد. تعداد شرکت کنندگان را ده هزار نفر تخمین زده شدند. از شدت ازدحام در جریان این تجمع خیابان ۲ فروردین جنوبی بسته شد و حتی کوچه های اطراف را هم در بر گرفت.

اتحاد و همدلی میان تجمع کنندگان با شعار های چون کارگر، معلم، پرستار، بازنشسته اتحاد، اتحاد، هر وعده که دادید، باد هوا بود،

در میان جمعیت موج میزد.

حدود ساعت ۱۱.۳۰ چند تن از بازنشستگان به عنوان نماینده برای گفتگو وارد داخل ساختمان دفتر روحانی شدند و با خلیل نژاد جانشین این دفتر دیدار کردند. طی این دیدار قطعنامه و خواسته های به حق بازنشستگان بصورت مکتوب تحویل آنها داده شد. و خلیل نژاد قول داد که این قطعنامه را همان شب به دست روحانی برساند. در این دیدار بازنشستگان به طور مبسوط در باره قانون مدیریت خدمات کشوری که ۱۰ سال است کنار گذاشته شده و اشکالات همسان سازی مصوب مجلس توضیح دادند و اعلام کردند اگر به خواسته های آنان ترتیب اثر داده نشود تجمع بعدی عظیم تر خواهد بود.

بعد از جلسه این هیات به میان

جمعیت آمده و نتیجه گفتگو را به اطلاع شرکت کنندگان در تجمع رسانند و اعلام کردند اگر در حکمهای سال ۹۶ خواسته های بازنشستگان منظور نشده باشد در اولین روز کاری جمعی گسترده خواهند کرد. این تجمع راس ساعت ۲ بعد از ظهر خاتمه یافت و فرصت نشد که قطعنامه قرائت شود و آرا بر روی سایتها و کانالهای بازنشستگان انتشار دادند. اعتراض بازنشستگان به حقوقهای زیر خط فقر و برای یک زندگی انسانی است. بازنشستگان در تجمع ده اسفند خود با شعارهای خود خواستههایشان را پیگیری کردند. تجمع امروز بازنشستگان در ادامه این اعتراضات و برای پیگیری خواستههایشان صورت گرفت.

## انترناسیونال

## نشریه حزب کمونیست کارگری

## سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود